

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر بنیاد اسلامی خرد و تعلیم

معاونت فرهنگی و تبلیغی

اصول و شیوه‌های استفاده از احادیث و معرفی منابع حدیثی

دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و تبلیغی

مختاری، علی

اصول و شیوه‌های استفاده از احادیث و معرفی منابع حدیثی / تألیف
علی مختاری؛ برنامه‌ریزی و نظارت گروه مطالعات فرهنگی و منطقه‌ای دفتر
مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و تبلیغی. - قم: ذوی‌القربی، ۱۳۸۹
ص. ۱۴۴

ISBN ۹۷۸ - ۹۶۴- ۵۱۸- ۴۰۳- ۰: ریال ۱۴/۰۰۰

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۱۳۱] - ۱۴۱؛ همچنین به صورت زیرنویس

۱. حدیث . ۲. حدیث - تفسیر و استنباط. ۳. حدیث - کتاب‌شناسی.
احادیث شیعه - کتاب‌شناسی. الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
معاونت فرهنگی و تبلیغی. دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و تبلیغی. گروه
مطالعات فرهنگی و منطقه‌ای. ب. عنوان

۲۹۷/۲۶

BP ۱۰۹ / م۳ ۶الف

اصول و شیوه‌های استفاده از احادیث و معرفی

منابع حدیثی

تهیه و تدوین: معاونت فرهنگی و تبلیغی / دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی
گروه مطالعات فرهنگی و منطقه‌ای / اداره چاپ و نشر

تألیف: علی مختاری

ناشر: ذوی‌القربی

لیتوگرافی، چاپ و صفای: الهادی

نوبت و تاریخ چاپ: اول - ۱۳۸۹

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۴۰۰ تومان

تلفن: ۰۲۵۱ - ۷۱۱۶۰ نمابر: ۷۷۴۳۱۷۶ - ۰۲۵۱

درگاه وبسایت‌های معاونت فرهنگی و تبلیغی: www.balagh.ir

پست الکترونیک: info@balagh.ir

تمامی حقوق © محفوظ است.

Printed in the Islamic Republic of Iran

فهرست

پیشگفتار ۹

مقدمه ۱۳

فصل اول: شناخت انواع حدیث

کنیه‌ها ۱۹

لقب‌ها ۲۰

اقسام حدیث ۲۱

اصطلاحات چهارگانه ۲۲

سخنان پیامبران پیشین ۲۳

آداب و سنن ۲۴

فصل دوم: جعل و تحریف

آغاز دروغ پردازی و انگیزه‌های آن ۳۰

معیارهای کلی ۳۲

۱- مخالفت نداشتن با قرآن کریم ۳۲

۲- مخالفت نداشتن با سنت ۳۳

۳- مخالفت نداشتن با مسلمات عقیدتی و معارفی ۳۴

نظایر روایات کنایی ۳۶

مشهورات بی‌اساس ۳۸

فصل سوم: شیوه‌های فهم حدیث

شیوه‌های فهم احادیث ۴۵

۱. توجه به ترجمه‌ها و شروح صحیح و برتر ۴۵

۲. واژه‌شناسی و ادبیات ۴۵

۳. نقش زمان و مکان ۴۹

۴. شأن صدور ۵۲

الف) آثار شناخت شأن صدور ۵۳

ب) مثال‌های شأن صدور: ۵۳

۵. مدح یا مذمت ۵۶

ع. شناسایی اشارات و تعریضات ۵۷

۷. تشخیص جهت و هدف..... ۵۸
۸. جامع نگری..... ۵۹
۹. توجه به حقیقت و مجاز و کنایه و استعاره..... ۶۰
۱۰. شناخت نخستین مأخذ..... ۶۱
۱۱. تحولات و تطورات واژه‌ها و معانی..... ۶۳
- انواع تغییرات..... ۶۳
۱. تطوّر معنای یک کلمه در گذر زمان..... ۶۳
۲. اصطلاح‌ها و اشتراک‌های لفظی و معنوی..... ۶۴
۳. دگرگونی‌های جغرافیایی..... ۶۵
- الف) تغییر مکانی..... ۶۵
- ب) محدوده اطلاق نام‌ها..... ۶۶
- ج) ظهور و افول بلاد..... ۶۶
- د) تحولات مردمی..... ۶۷

فصل چهارم: هشدار و تذکر

۱. توجه به ظرفیت خواص و عوام..... ۷۱
۲. احادیث جنجال آفرین..... ۷۲
۳. راه‌کارهایی برای فهم بهتر..... ۷۳
۴. علل متعدد و معلول واحد..... ۷۴
۵. برترین و بهترین‌ها..... ۷۵
۶. حل تنافی..... ۷۶
- الف) شیوه سندی..... ۷۶
- دو - حمل بعضی روایات بر تقیّه..... ۷۸
- سه - حمل بر انکار، نه إخبار..... ۷۹
- چهار - حمل بر اضطرار..... ۸۰
- پنج - حمل بر استحباب یا کراهت..... ۸۰
- شش - حمل بر رخصت..... ۸۱
- هفت - توجه به شأن صدور..... ۸۲
- هشت - مراجعه به جوامع روایی و شروح..... ۸۵

فصل پنجم: معرفی و منابع

- بوستان اول - سیری در کتاب‌های احادیث ۹۳
۱. آثار محمدون سه‌گانه اول و آخر ۹۴
- الف) الکافی ۹۴
- مهم‌ترین شرح‌ها بر الکافی ۹۵
- دو - ترجمه‌های فارسی اصول کافی ۹۶
- ب) الفقیه ۹۷
- شرح‌ها و ترجمه‌ها ۹۷
- ج) التهذیب ۹۷
- شرح و ترجمه ۹۷
- د) الاستبصار ۹۸
- شرح ۹۸
۲. آثار محمدون سه‌گانه متأخر ۹۸
- الف) الوافی فی جمع الأحادیث الکتب الأربعة القديمة ۹۹
- یک - آثار مرتبط با بحار الانوار ۱۰۰
- سفینه البحار ۱۰۰
- دو - ترجمه‌های بحار الانوار ۱۰۱
- د) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ۱۰۲
- عوامل کم‌توجهی به کتاب‌های حدیثی ۱۰۳
- بوستان دوم - فهرس و معجم‌ها ۱۰۴
- کتاب‌نامه و مقاله‌نامه ۱۰۵
- بوستان سوم - احادیث یکی از معصومان ۱۰۶
۱. پیامبر اکرم (ص) ۱۰۶
- مراکز توزیع: ۱۰۷
۲. امام علی ۱۱۰
۳. حضرت فاطمه زهرا (س) ۱۱۳
۴. امام حسن مجتبی (ع) ۱۱۴
۵. امام حسین (ع) ۱۱۵

۶	امام سجاد(ع).....	۱۱۵
	شرح فارسی.....	۱۱۶
	شرح عربی.....	۱۱۶
	ترجمه‌ها.....	۱۱۷
۷.	امام محمد باقر(ع).....	۱۱۸
۸.	امام جعفر صادق(ع).....	۱۱۸
۹.	امام موسی کاظم(ع).....	۱۱۹
۱۰.	امام رضا(ع).....	۱۱۹
۱۱.	امام محمد جواد(ع).....	۱۱۹
۱۲.	امام هادی(ع).....	۱۱۹
۱۳.	امام حسن عسکری(ع).....	۱۲۰
۱۴.	امام مهدی(عج).....	۱۲۰
	بوستان چهارم - امامت و نبوت.....	۱۲۱
	بوستان پنجم - احادیث قدسی.....	۱۲۳
	بوستان ششم - احادیث تفسیری.....	۱۲۴
	بوستان هفتم - تک نگاری‌ها.....	۱۲۴
	بوستان هشتم - کتب مرجع.....	۱۲۵
	بوستان نهم - کتاب محراب.....	۱۲۸
	چند نام و یک اثر.....	۱۳۰
	کتاب‌نامه	۱۳۱

پیشگفتار

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ
وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (نحل: ۱۲۵)

تبلیغ یک هنر بزرگ است و مبلغ یک هنرمند بزرگ.
هنر تبلیغ، به کار گرفتن شیوه‌های مؤثر در انتقال پیام‌های
تبلیغی است.

تبلیغ بزرگ‌ترین ابزاری است که در جهت تأمین مقاصد
مکاتب و احزاب در بین همهٔ قشرها در مجامع مختلف
بین‌المللی مورد استفاده واقع شده است. پیام‌آوران الهی نیز از
این ابزار برای گسترش و نشر افکار آسمانی و آگاه ساختن
مردم نسبت به بایدها و نبایدها استفاده می‌کردند.

در دوران کنونی؛ با پیشرفت‌های سریع علوم در
عرصه‌های مختلف فرهنگی و تکنولوژی که به عصر انفجار
اطلاعات لقب یافته، از یک سو و با درخشش اسلام ناب
محمدی (ص) و اوج‌گیری تفکر فرهنگی انقلاب اسلامی در
سراسر جهان، و ایجاد عرصه‌های جدید برای تعمیم و بسط
ندای تعالیم آسمانی، از سوی دیگر لزوم شناخت عمیق‌تر
تبلیغ و توجه به اصول و راهکارها و شیوه‌های آن را مضاعف
می‌سازد.

تبلیغ دین، عهده‌دار توسعه دین در لایه‌های مختلف جامعه است. مهندسی و سازماندهی و بسط آن علاوه بر آموزش عمیق و دقیق، نیازمند ارتقای مهارت‌ها و توانمندی‌های تبلیغی مبلغان را می‌طلبد که باید با شیوه‌های روشمند و علمی سامان یابد، تا با بکار گرفتن مهارت‌های نوین تبلیغ بتوانند در نشر و گسترش فرهنگ غنی و اصیل اسلامی و تحقق اهداف بلند تمدن اسلامی ولایی برگرفته از مکتب اهل بیت (ع) در کشور بر نفوذ و جذابیت آن در اذهان مردم و عرصه جهانی هر چه بیشتر موفق شوند.

حال با عنایت به اهمیت امر تبلیغ در پیشبرد اهداف دینی و تجهیز مبلغان دینی با شیوه‌های نوین تبلیغی و ارتقاء سطح آگاهی مهارت‌های تبلیغی آنان، و به منظور پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مخاطبان از طریق بهره‌گیری از روش‌ها و فناوری‌های روزآمد و مؤثر با تأکید بر بهینه‌سازی روش‌های سنتی و مناسب ساختن دانش مهارت‌های تبلیغی مبلغان و ایجاد انگیزه برای کسب مهارت‌های مورد نیاز تبلیغ در زمینه‌های مختلف طرح تدوین کتابچه‌هایی با عنوان «مهارت‌های تبلیغی» تهیه و در اختیار مبلغان قرار دهد.

گروه مطالعات فرهنگی و منطقه‌ای با تنظیم طرح جامعی برای تدوین و تألیف کتابچه‌های مهارت‌های تبلیغی در موضوع‌های گوناگون، با لطف و عنایت خداوند و پی‌گیری‌های پیوسته توانست با موفقیت این طرح را به سامان

رساند که «اصول و شیوه‌های استفاده از احادیث و معرفی منابع حدیثی» نوشته پژوهش‌گر ارجمند، حجت‌الاسلام و المسلمین علی مختاری نمونه‌ای از آن است. با سپاس فراوان از ایشان و آرزوی توفیق روز افزون، امید است این پژوهش مورد استفاده مبلّغان محترم قرار گیرد.

احمد زاده‌وش

معاون فرهنگی و تبلیغی

مقدمه

حدیث و سیره معصومان(ع)، شارح قرآن کریم و هردو پایه و مایه دانش‌های دینی و معیار ارزیابی مسائل علوم هستند که گذر زمان و پیشرفت علوم بر تعامل و ارتباط آن‌ها می‌افزاید.

اهل وعظ و تبلیغ که مخاطبان اصلی این اثر به شمار می‌روند، بیش از هر کس به نصوص دینی به عنوان سرمایه سخن، نیازمند هستند. فقه الحدیث اجتهادی و تخصصی در گرو آشنایی با تمامی دانش‌های علوم انسانی و دروس حوزوی است، به ویژه دانش‌هایی چون رجال، درایه، فقه الحدیث، مصطلح الحدیث، غریب الحدیث^۱ که به جهت حدیث‌شناسی کامل شکل گرفته‌اند. البته روشن است که مبلّغان، با وظایف فراوان، فرصت کافی ندارند تا کتاب‌های فراوان و گسترده دانش‌های پیش گفته را به دقت مطالعه و بررسی کنند.

۱. برخی این عناوین را مرادف و بعضی با اندکی تفاوت تلقی کرده‌اند و لا مشافَهَ فی الاصطلاح. نک: روش فهم حدیث، ص ۱۴۸۵.

هدف این اثر، بررسی اصول و شیوه‌های استفاده از احادیث و شناسایی آن دسته کتاب‌های حدیثی است که بیشتر به کار تبلیغ می‌آید.

تمامی دانش‌های علوم انسانی و درس‌های رایج حوزوی در فهم حدیث مؤثرند. البته برخی از این علوم هم‌چون درایه و رجال، اصولاً برای حدیث‌شناسی سامان یافته‌اند. به طور کلی، پس از قرآن کریم، حدیث، پایه و مایه دانش‌ها و معیار ارزیابی مسائل همه علوم متداول بوده و هست و گذر زمان و پیشرفت علوم، بر این تعامل و تکامل و ارتباط می‌افزاید.

درباره شرافت و فضیلت حدیث، روایات فراوانی از معصومین(ع) وارد شده است که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

پیامبر خدا(ص) فرمود:

مَنْ أَدَّى حَدِيثًا يُقَامُ بِهِ سُنَّةٌ، أَوْ يُلَمُّ بِهِ بَدْعَةٌ، فَلَهُ الْجَنَّةُ.^۱
هر کس یک حدیث را برساند که به کمک آن، سنتی استوار گردد یا از رخنه بدعتی پیش‌گیری شود، بهشت برایش مقرر می‌شود.

هم‌چنین آن حضرت فرموده است:

مَنْ حَفِظَ عَلَى أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا مِنْ أَمْرِ دِينِهَا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَاضِيًا، وَ كُنْتُ لَهُ شَافِعًا وَ شَهِيدًا.^۲

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲۷، ص ۳۳۲.

۲. نک: الخصال، ج ۲، ص ۵۴۱؛ أبواب الأربعين، فی من حفظ أربعين حديثاً؛ نک: أربعين شيخ بهایی، حدیث اول.

کسی که بر امت من، چهل حدیث از نیازمندی‌های
امور دین‌شان را حفظ کند، خداوند، او را در روز
قیامت، فقیه محشور می‌فرماید و من شافع و شاهد او
خواهم بود.

در نسخه دیگری از آن بزرگوار آمده است:

مَنْ يَعْلَمَ حَدِيثَيْنِ اثْنَيْنِ يَنْفَعُ بِهِمَا نَفْسَهُ، أَوْ يُعَلِّمَهَا غَيْرَهُ
فَيَنْتَفِعَ بِهِمَا كَانَ خَيْرًا مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً.^۱
هر که دو حدیث سودمند به حال خود فراگیرد یا آن دو
را به دیگری بیاموزد و او استفاده کند، از عبادت
شصت سال بهتر است.

ائمه معصومین علیهم السلام، مسلمانان را به بهره‌گیری از
احادیث بسیار سفارش کرده‌اند. به حدی که فراگرفتن
حدیث را بهتر طلا و جواهر دنیا برشمرده و منزلت هر کسی را
به میزان روایت‌گری وی قلم‌داد نموده‌اند. چنان‌که در روایتی
از امام صادق می‌خوانیم:

حَدِيثٌ فِي حَالٍ وَ حَرَامٍ تَأْخُذُهُ مِنْ صَادِقٍ خَيْرٌ لَكَ مِنَ
الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا مِنْ ذَهَبٍ وَ فِضَّةٍ.^۲؛ یک حدیث درباره
حلال و حرام که از راوی راست‌گویی فراگیری، برای
بهرتر است از دنیا و آنچه از زر و سیم در جهان باشد.

۱. خاتمه مستدرک الوسائل، ج ۲۷، صص ۳۳۲ و ۳۳۳؛ کنز العمال، ج ۱۰، ص
۱۶۳، ح ۲۸۸۴۹.

۲. محاسن برفی، ج ۱، ص ۲۲۹، ح ۱۶۶.

هم‌چنین آن حضرت می‌فرماید:

إِعْرِفُوا مَنَازِلَ النَّاسِ عَلَى قَدَرِ رَوَايَتِهِمْ عَنَّا؛ منزلت
مردم را به اندازه روایت‌گری آنان از ما بشناسید.

معاویه فرزند عمار ساباطی که از بزرگان و اصحاب
حضرت صادق است، می‌گوید: به آن حضرت عرض کردم:
آیا کسی که احادیث زیادی از شما روایت و بین مردم منتشر
می‌کند و به کمک نشر حدیث، دل شیعه را به دین محکم
می‌کند، برتر است یا آن شیعه عابدی که راوی نباشد؟ فرمود:
الرَّوَايَةُ لِحَدِيثِنَا يُشَدِّدُ بِهِ قُلُوبَ شِيعَتِنَا، أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ
عَابِدٍ؛ کسی که با کثرت روایت موجب محکمی دل
شیعیان ما شود، از هزار عابد برتر است.

علی مختاری

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۵۰، ح ۱۳.

۲. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۴۵.

فصل اول: شناخت انواع حدیث

پیش نیاز شناخت حدیث

پیش از بیان انواع حدیث باید دانست در شناخت حدیث، توجه به کنیه‌ها و القاب معصومان(ع) ضروری است که اکنون به آن‌ها اشاره می‌شود:

کنیه‌ها

۱. ابوالقاسم

کنیه مشترک بین خاتم الانبیاء(ص) و خاتم الأوصیاء(عج) است و هرگاه در اخبار به صورت مطلق ذکر شود، مراد از آن، حضرت ولی عصر(عج) است.

۳. ابوالحسن

بین حضرت امیرالمؤمنین، حضرت موسی ابن جعفر، حضرت رضا و حضرت هادی علیهم السلام مشترک است. به طور مطلق یا متداول، حضرت موسی بن جعفر(ع)، منظور است. ابوالحسن ثانی، کنیه حضرت رضا و ابوالحسن ثالث، کنیه امام هادی(ع) است و در اخبار، به حضرت علی، «ابوالحسن»، اندک و «ابوالحسنین» بیشتر گفته می‌شود.

۳. ابو محمد

بین امام حسن مجتبی، امام سجاد و امام حسن عسکری علیهم السلام مشترک است. در اخبار معمولاً به امام حسن عسکری گفته می‌شود.

چون احادیث دو سبط رسول خدا(ص) اندک است،
کنیه این دو بزرگوار، کمتر ذکر شده است و حضرت
زین‌العابدین را همواره به اسم یاد می‌کنند.

۴. ابو جعفر

بین امام محمد باقر(ع) و امام محمد تقی(ع) مشترک
است. اگر «مطلق» یا با قید «اول» ذکر شود، منظور، امام باقر
و اگر به قید «ثانی» بیاید، امام جواد است.

۵. ابو عبدالله

بین امام حسین(ع) و امام صادق(ع) مشترک است و در
اخبار معمولاً به امام صادق گفته می‌شود. ابو اسحاق هم فقط
از آن امام صادق است.

۶. ابو ابراهیم

ویژه امام کاظم(ع) است.

لقب‌ها

لقب‌های «عالم»، «شیخ»، «فقیه» و «عبد صالح» ویژه امام
موسی بن جعفر است و گاهی «شیخ»، «فقیه» و «عالم» نیز به
آن حضرت گفته شده است.

به نقل علامه مجلسی، «فقیه» را بیشتر بر امام هادی و گاه
بر امام حسن عسکری و حضرت صاحب‌الأمر(عج) اطلاق
می‌کنند. مراد از «عالم» نیز امام معصوم است.

لقب «نقی»، «ماضی»، «صاحب‌العسکر» و «رجل» بر امام
حسن عسکری اطلاق می‌شود.

منظور از «أحدهما»، حضرت باقر یا حضرت صادق (ع) و از «عسکرین»، حضرت هادی و عسکری (ع) و از «کاظمین»، امام کاظم و حضرت جواد (ع) است.

اقسام حدیث^۱

«حدیث»، کلامی است که حاکی از قول، فعل یا تقریر معصوم باشد و به آن، «خبر»، «سنت» و «روایت» نیز گفته شده است.

«سنت»، طریقه پسندیده است و در اصطلاح به آنچه طریقه و شیوه معصوم (ع) است، گفته می‌شود. بنابراین، اعم از واجب و مستحب است و گاهی مرادف مستحب و در برابر فریضه و گاه عدل و همتای قرآن، قرار می‌گیرد.

«اثر»؛ یعنی آنچه از اقوال و افعال پیامبر و امام برجای مانده و گاهی به آنچه از صحابه یا تابعین وارد شده است، گفته می‌شود.

اهل سنت؛ سخنان و رفتار صحابه را نیز «حدیث» می‌دانند و گاهی به این بخش، «اثر» گفته می‌شود.

«خبر» نزد محدثین مرادف حدیث است. در برخی علوم، خبر در برابر نشا به کار می‌رود.

۱. نک: سفینه البحار، ج ۱، ص ۳۷۳، واژه «خ»؛ مقیاس الهدایه، ج ۱، ص ۵۲؛ علم الحدیث و درایه الحدیث، ص ۱۰ به بعد؛ اصول و قواعد فقه الحدیث، ص ۱۵ به بعد؛ مرآة العقول، ج ۱، ص ۱۶۶؛ اصول الحدیث و احکامه، صص ۱۸ - ۲۰.

اصطلاحات چهارگانه^۱

قدما، حدیث را به «صحیح» و «ضعیف» یا «مقبول و غیر مقبول» تقسیم می‌کردند، ولی سید جمال‌الدین بن طاووس (م ۷۸۳ هـ.ق)، اصطلاح‌های زیر را تأسیس کرد که به زودی رایج شد.

صحیح: خبری است که سلسله سند توسط رجال موثق و امامی مذهب به معصوم متصل شود.

حسن: خبر متصلی است که تمامی افراد سند، امامی مذهب و ممدوح باشند، ولی بر عدالت هر یک تنصیب نشده باشد یا بعضی ممدوح و بقیه ثقة باشند.

موثق: خبری است که نسبت به همه رجال سند در کتاب‌های رجال شیعه، تصریح به وثاقت شده باشد؛ گرچه برخی غیر امامی باشند.

ضعیف: خبری است که در آن شرایط یکی از سه قسم پیشین، فراهم نباشد.

این چهار قسم هر کدام بخش‌هایی دارند. آیت الله سبحانی ۳۷ قسم را تشریح فرموده است.^۲

۱. نک: اصول الحدیث و احکامه فی علم الدراية، ص ۴۳ به بعد؛ علم الحدیث، ص ۱۴۶ به بعد؛ درایة الحدیث، ص ۳۲ به بعد؛ الرعاية فی علم الدراية، صص ۷۷-۸۶؛ منتقى الجمان، ج ۱، ص ۵ به بعد.

۲. اصول الحدیث و احکامه فی علم الدراية، فصل ۳، ص ۶۳ به بعد. گفتنی است این واژه‌ها بر توثیق راوی دلالت دارد: «ثقه، عین، وجه، مشکور، شیخ الطائفة، حجة». الفاظ مفید مدح در کتب رجالی چنین است: «متقن، حافظ، ضابط، مشکور، زاهد، قریب الأمر». نک: درایة الحدیث، پانوش، صص ۳۹ و ۴۴.

برای سهولت حفظ، می‌توان گفت: راویان امامی، اگر ثقه باشند، روایت «صحیح» و اگر ممدوح باشند، روایت «حسن» است. یا راویان ثقه، اگر امامی باشند، «صحیح» و اگر بعضاً یا کلاً غیر امامی باشند، «موثق» و در غیر این دو صورت، «ضعیف» است.

سخنان پیامبران پیشین

اگر حدیثی از انبیای پیشین از قول معصومان(ع) و با سند معتبر برسد، نظیر احادیث دیگر معصومان(ع) معتبر خواهد بود، ولی اگر مرسل یا در کتاب‌های قصه‌های پیامبران یا به نقل از عامه باشد، اعتبار و ارزشش به سند و مأخذش بستگی دارد و باید با احتیاط کامل نقل شود.

ابواب احادیث

مجموع روایی در باب‌ها و کتاب‌های متنوعی سامان یافته است و هر علمی در ابواب مربوطه تنظیم گشته است. برای مثال، روایات فقهی در بیش از هفتاد کتاب فقه از طهارت تا قضا و شهادت و دیات یا احادیث عقیدتی از کتاب توحید تا معاد مرتب شده است.

باید دانست هر علمی برای نفی و اثبات مسائلش، روش ویژه خود را دارد. در مسائل عقیدتی، به صرف وجود یک روایت، نمی‌توان گفت اسلام چنین عقیده‌ای دارد. تا روایات معتبر و مستند و هماهنگ با دیگر مسائل عقیدتی در دست نباشد، مسائل کلامی اثبات یا نفی نمی‌شود.

اگر تنها یک روایت معتبر، در دست باشد، حداکثر می‌توان گفت: «این یک روایت فلان دلالت را دارد».

در علم فقه نیز فقیهان برای هر فتوایی، مستندی معتبر در نظر می‌گیرند، ولی در مسائل اخلاقی و مواظ می‌توان از خبر واحد، هر چند مرسل باشد، بهره‌برداری کرد، چون هدف، هشدار و پند و اندرز است. در این زمینه، از اشعار، حکایات، فیلم‌ها، قصص حیوانات، کلیله و دمنه و گربه و موش هم استفاده می‌شود.

به طور کلی، خطوط اصلی و معیارها و زیر بناهای علم اخلاق اسلامی، نظیر مبانی فقهی باید معتبر و مستحکم باشد تا انحراف‌هایی نظیر رفتارهای فرقه ملامتیه، راهبان مسیحی، مرتاضان هندی و عرفان بودایی و برخی پیشنهادها و روان‌شناسان غربی مانند تجویز شنیدن موسیقی در برخی برنامه‌ها پیش نیاید.

آداب و سنن

هنوز روایات آداب و مستحبات اسلامی، خام و دست نخورده مانده و حلاجی نشده، بر خلاف روایات فقهی که همواره زیر ذره‌بین فقیهان ارزیابی شده است. گفتنی است فتوا به استحباب کاری، دلیل معتبر می‌خواهد، ولی در مستحبات، چون راه رجا بسته نیست و قاعده تسامح در ادله سنن و احادیث من بلغ راه گشاست، به مضمون روایات باب

می‌توان عمل کرد. در این موضوع، اهل سنت نیز همین شیوه را دارند.^۱

بدیهی است باید عملی که در روایت پیشنهاد شده است، مخالف کتاب و سنت نباشد و به قصد رجا انجام شود.

۱. این قدامه پس از نقل نماز جعفر طیار و انکار احمد حنبل چنین می‌نویسد: «رواهُ أبو داودُ و الترمذی و لم یثبتْ أحمدُ الحدیثَ المرویَ فیها، و لَمْ یَرَهَا مُسْتَحَبَّةً، و إنْ فَعَلَهَا إنسانٌ فَلَا بأسَ، فإنَّ النوافِلَ و الفضائلَ لَا تُشترطُ صحَّةُ الحدیثِ فیها». روایت نماز جعفر را ابو داوود و ترمذی روایت کرده‌اند، ولی احمد حنبل نقل نکرده و آن را مستحب ندانسته است، اگر کسی بخواند، اشکال ندارد زیرا در نافله‌ها و فضایل، صحت حدیث شرط نیست. این قدامه، المغنی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ج ۱، ص ۷۶۹، همراه با «الشرح الکبیر».

فصل دوم: جعل و تحریف

شناخت احادیث ضعیف

شناخت دقیق احادیث ضعیف یا دروغ، نیازمند علومی چند است، نظیر علم رجال که از احوال فرد فرد راویان سخن می‌گوید یا علم درایه که از وضعیت کلی سند و وضعیت متن حدیث بحث می‌کند. هم‌چنین علم اصول، منطق، ادبیات فقه الحدیث در این زمینه بسیار مؤثرند.

در این جا به اصولی اشاره می‌شود که می‌تواند برای واعظانی که فرصت و فراغت بررسی همه جانبه را ندارند، مفید افتد.^۱

-
۱. جا دارد با کتابهایی که به ارزیابی احادیث پرداخته‌اند آشنا شویم:
«روضة المتقین» از علامه محمد تقی مجلسی (ره)، در ۱۴ جلد، به طور به عربی در شرح «من لا یحضره الفقیه».
 - «لوامع صاحبقرانی» در بیش از ۸ جلد، از علامه محمد تقی مجلسی (ره)، به فارسی در شرح «من لا یحضره الفقیه».
 - «مرآة العقول» از علامه محمد باقر مجلسی (ره)، در ۲۸ جلد در شرح «کافی».
 - «ملاذ الأخیار» در شرح «تهذیب الأحکام»، در ۱۶ جلد. چون به قول شهید ثانی در کتاب «الرعاية»، «تهذیب به منزلة مادر استبصار است»، شرح «استبصار» نیز شمرده می‌شود.
 - «شرح اصول کافی»، از ملا صالح مازندرانی، شاگرد و داماد علامه مجلسی، در ۱۲ جلد.
 - «استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار» از شیخ محمد عاملی، فرزند صاحب معالم در ۷ جلد در شرح استبصار.
 - گفتنی است در برخی کتاب‌های روایی، مثل «بحار الانوار» یا «وافی»، توضیح‌های بسیار ارزنده‌ای در ارزیابی احادیث آمده است. «نهج البلاغه» نیز شروح زیادی دارد. شرح میرزا حبیب‌الله خویی به نام «منهاج البراعه» به بررسی و ارزیابی متن نیز پرداخته است.

آغاز دروغ پردازی و انگیزه‌های آن

اهل سنت، صحابه را طاهر و عادل و شیعیان را نقش‌آفرین‌ترین فرقه‌ها در ایجاد احادیث ساختگی می‌دانند.^۱ این ادعا در حالی است که اصحابی چون معاویه بن هند، مروان بن حکم، مغیره بن شعبه، سمره بن جندب و بسیاری از منافقان، حتی در حیات حضرت رسول (ص) تمرّد می‌کردند.^۲ عملکرد صحابه پس از پیامبر (ص) نیز بر کسی پوشیده نیست. از سخن خود پیامبر مبنی بر این که «هر کس بر من دروغ ببندد، باید جایگاهش را در آتش مهیا کند»،^۳ برمی‌آید که جعل حدیث از زمان آن حضرت، آغاز شده است. هم‌چنین زمانی که خلیفه دوم نوشتن حدیث را منع کرد و حدود یک قرن از کتابت حدیث به زور جلوگیری کردند، این کار، راه‌گشای جعل و تحریف حدیث گشت. البته در این دوران، اهل بیت (ع) و یارانشان به نگارش و تعلیم سنت ادامه می‌دادند و به نهی دولت و حکومت توجه نمی‌کردند.

۱. برای توضیح بیشتر نک: اخبار و آثار ساختگی، هاشم معروف حسنی، ترجمه:

صابری، ص ۱۱۸ به بعد.

۲. بارها نقشه قتل و ترور پیامبر اعظم (ص) را کشیدند. نک: تفاسیر سوره یونس آیه ۵۹ و سوره توبه آیه ۵۰؛ هم‌چنین نک: عدالة الصحابة و دیگر کتاب‌های احمد حسین یعقوب اردنی، ترجمه: مالک محمودی.

۳. از روایاتی است که گفته‌اند تواتر لفظی دارد، چه رسد به تواتر معنوی یا استفاضه. مقباس الهدایه، ج ۱، ص ۷۱، پانوش ۱.

رسوخ فرهنگ اهل کتاب و یهود، در اذهان مردم در کنار تشویق کار کعب‌الأخبار، تمیم‌داری و افرادی نظیر آن‌ها که از دشمنان سرسخت اسلام بودند و اقدامات منافقان و دشمنانی که از رویارویی مستقیم با اسلام طرفی نبسته بودند، به گسترش اسرائیلیات و جعل روایات کمک شایانی کرد به ویژه آن که زمام‌داران خودسر نیز چنین می‌خواستند.

گسترش و افزایش قلمرو اسلامی، ورود افراد ناآشنا با سخنان پیامبر به حوزه اسلام، رقابت‌های سیاسی، مذهبی، فرقه‌ای، قومی و قبیله‌ای را نیز از دیگر عوامل جعل احادیث می‌توان شمرد.^۱

وضع مجعولات در احادیث عامه وخیم‌تر است؛ زیرا پردازش آن فرهنگ در دست و دوران امویان و طلقا بوده است.^۲ از طرف دیگر، ثبت و کتابت حدیث، بیش از یک قرن ممنوع گشته بود. از این رو، ابوهریره^۳ که حدود سه سال با پیامبر خدا بود، در منابع موجود، ۵۳۷۴ حدیث و بیش از ۸۰۰ راوی دارد که از مجموع احادیث خلفای راشدین بیشتر

۱. برای آگاهی بیشتر نک: مقیاس الهدایه فی علم الدرايه، ج ۱، صص ۷۰ - ۷۹؛ اصول الحدیث و احکامه فی علم الدرايه، ص ۱۲۰؛ الغدير، ج ۵، ص ۲۹۰؛ الرعايه فی علم الدرايه، ص ۱۲۰؛ تدریب الراوی، ج ۱، صص ۲۳۸ - ۲۴۱؛ علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۲۸۷؛ تلخیص مقیاس الهدایه، ص ۱۸۵؛ أضواء علی السنّه المحمديه، ص ۱۲۶؛ علم الحدیث، صص ۹۵ - ۱۰۷.

۲. احادیث منقولہ از کتب عامه، به «نبوی» معروفند.

۳. در نقد ابو هريره - و اخیراً در دفاع از او - کتابهای متعددی وجود دارد، مثل: ابو هريره شيخ المضيرہ از محمود ابو ريثه و ابو هريره، بازرگان حدیث از سید شرف الدین.

است.^۱ بخاری از امام علی تنها ۲۸ حدیث آورده و حتی اگر در سند روایتی، نام امام باقر و امام صادق علیهما السلام بوده، آن حدیث را سانسور کرده است.

معیارهای کلی

به جز شناسایی راه‌های فنی که به کارشناسان برمی‌گردد، چند معیار کلی در اختیار عموم خطیبان هست که حتی اگر بر رجال و درایه تسلط نداشته باشند یا فرصت و فراغت برای آنان نباشد، می‌تواند کارآمد باشد. برای نمونه، روایتی که با روح قرآن و سنت و عقل و اصول مسلم عقاید و معارف شیعی ناهماهنگ باشد، قابل تردید و تأمل و تضعیف است.

۱- مخالفت نداشتن با قرآن کریم

رسول خدا(ص) می‌فرماید:

أَعْرِضُوا حَدِيثِي عَلَى كِتَابِ اللَّهِ فَإِنْ وَافَقَهُ، فَهُوَ مِنِّي وَ أَنَا قُلْتُهُ^۲؛ سخنم را بر قرآن عرضه کنید. اگر با آن هماهنگ بود، از من است و من آن را گفته‌ام.

بنابراین، اگر گفته شد بر اساس فلان حدیث، در عزاداری امام حسین، گریه ریایی تجویز شده است، به راحتی می‌توان دریافت که این سخن، استنتاجی نادرست است. زیرا خداوند

۱. قواعد التحديث، طبع مصر، سال ۱۳۰۷ هـ. ق، ص ۲۰۵.

۲. کنز العمال، ج ۱، ح ۹۰۷؛ نک: بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۸۸، ح ۱۹. این معیار در باب تعادل و تراجیح نیز بسیار مهم است.

در قرآن کریم، ریاکاری را «بی‌ایمانی»^۱ و شرک را ظلم عظیم و نابخشودنی می‌داند:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ ذُنُوبَ الَّذِينَ لَمْ يُشَاءُوا^۲
وإنَّ الشُّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ.^۳

۲- مخالفت نداشتن با سنت

یکی از سنت‌های پیامبران، استفاده از بوی خوش است که در این باره روایت‌های فراوانی در دست داریم. رسول اکرم (ص) نیز اهتمامی فراوانی به عطر زدن داشت. از سویی خداوند در قرآن کریم مکرر می‌فرماید که نعمت‌ها را برای شما آفریدیم: «خَلَقَ لَكُمْ»^۴ و «سَخَّرَ لَكُمْ»^۵ یا می‌فرماید:

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ؟ بگو چه کسی زیوری را که خداوند برای بندگانش پدید آورده و نیز روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟.

حال با توجه به خطوط اصلی قرآن و سنت، درباره این روایت و امثال آن، داوری کنید:

۱. نک: بقره، ۲۶۴.

۲. نساء، ۴۸.

۳. لقمان، ۱۳.

۴. بقره، ۲۹.

۵. حج، ۶۵؛ لقمان، ۲۰.

۶. اعراف، ۳۲.

كَانَ عِيسَى يَخْمُرُ أَنْفَهُ مِنَ الرَّائِحَةِ الطَّيِّبَةِ دُونَ الْكَرِهِیَّةِ
فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ؛ فَقَالَ: لَا حِسَابَ فِي الْكَرِهِیَّةِ وَ فِي
الطَّيِّبَةِ حِسَابٌ^۱؛ شیوه حضرت عیسی (ع) چنان بود که
از عطر و بوی خوش، خودداری می‌کرد و از بوی
نامطبوع استفاده می‌کرد. وقتی رازش را پرسیدند، در
پاسخ گفت: بوی ناپسند، روز قیامت حساب و کتاب
ندارد، ولی بوی خوش حساب دارد.
نظیر این حکایت، داستان عابد بنی اسرائیلی است که یک
چشم خویش را پوشانیده بود تا اسراف نشود.

۳- مخالفت نداشتن با مسلمات عقیدتی و معارفی

روایتی که با اصول عقیدتی تشیع مخالف باشد، ارزشی
ندارد. مسائلی چون عدل الهی، رجعت، شفاعت و عصمت از
مسلمات کلام شیعه به شمار می‌رود یا حلیت متعه از مسلمات
فقه و حجاب، از ضروریات فقه است. اگر روایتی با امثال
این‌ها مخالف بود، باید کنار گذاشته شود، مثل حدیث
ذوالیدین^۲ که می‌گوید:

پیامبر اکرم (ص) نماز را دو رکعتی تمام کرد. ذو
الیدین اشاره کرد: آیا نماز را قصر کرده‌ای یا فراموش
کرده‌ای؟ فرمود: فراموش کردم. عالمان شیعه این
حدیث را منافی عصمت و مردود دانسته‌اند.^۳

۱. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۲۸.

۲. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۰۳، ح ۵۷۳.

۳. تذکره الفقهاء، ج ۳، صص ۳۰۹ - ۳۱۲.

۴- تضاد نداشتن با عقل

عقل، حجت باطنی الهی و پشتوانه دین است و شارع مقدس، خالق عقل و رئیس العقلاست. از این‌رو، در شرع، سخنی متضاد با عقل وجود ندارد. مستقلات عقلیه و سیره عقلا نیز معیار ارزیابی است.

گفتنی است در احکام و معارف آسمانی، اصول فوق عقل و برتر از سطح دست‌رسی بشر فراوان هست، همان‌گونه که قرآن کریم به پیامبر اعظم (ص) خطاب می‌فرماید:

وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ؛^۱ و به تو چیزی آموخت که

نمی‌دانستی.

در این میان باید دانست:

۱. اگر حدیثی، دشوار و برتر از فهم قاصر ما بود، باید از اظهار نظر درباره آن خودداری و تفسیرش را به اهلش واگذار کنیم.

۲. چه بسا ظاهر حدیثی، خلاف معارف مسلم اسلامی، ولی قابل حمل بر معانی مجازی یا کنایی و قابل تأویل و توجیه باشد که باید در ظاهر چنین روایتی، تصرف و آن را بر معنای صحیح حمل کرد.^۲

۱. نساء، ۱۱۳؛ نک: هود، ۴۹؛ بقره، ۱۵۱.

۲. نک: بحارالانوار، ج ۳، ص ۳۳۱، ح ۳۵ و ص ۳۳۰، ح ۳۳ و ص ۳۱۸، ح ۱۵.

نظایر روایات کنایی^۱

در آیات قرآن کریم موارد فراوانی وجود دارد که معنای ظاهری آن مراد نیست. مانند:

وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا؛ و پروردگارت و

فرشته‌ها صف در صف آیند. (فجر: ۲۲)

الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى؛ خدای رحمان که بر عرش

استیلا یافته است. (طه: ۵). کَلِمَةَ اللَّهِ. (توبه: ۴۰). صِبْغَةَ

اللَّهِ. (بقره: ۱۳۸).

تحریف‌ها

گاهی اضافه یا نقیصه حدیث،^۲ آن را موهون و ساقط

می‌کند. به دو مثال زیر توجه شود:

ابراهیم بن ابی محمود از حضرت رضا درباره این

حدیث می‌پرسد:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يَنْزِلُ كُلُّ لَيْلَةٍ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا.

حضرت می‌فرماید:

لَعَنَ اللَّهُ الْمُحَرِّفِينَ لِلْكَلِمِ عَنْ مَوَاضِعِهِ، وَ اللَّهُ مَا قَالَ

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَذَلِكَ إِنَّمَا قَالَ صَلَّى اللَّهُ

عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى يُنْزِلُ مَلَكًا إِلَى السَّمَاءِ

۱. برای توضیح بیشتر نک: تفسیرهای ذیل این آیات و به روایات باب توحید مثل

توحید صدوق یا جلد ۳ و ۴ بحارالانوار.

۲. برای دریافت نمونه‌هایی از تصحیفات و تحریفات و سقط‌ها و زیادات و... نک:

علل الحدیث، محمدباقر بهبودی، انتشارات سنا و نشر جلوه پاک.

الدُّنْيَا كُلَّ لَيْلَةٍ فِي الثُّلُثِ الْأَخِيرِ، وَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فِي أَوَّلِ
الَّيْلِ فَيَأْمُرُهُ فَيُنَادِي: هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأَعْطِيَهُ؟....^۱

خدا لعنت کند کسانی را که سخن را از جایگاه خود
تغییر می‌دهند و تحریف می‌کنند. به خدا سوگند، پیامبر
چنان نفرمود. آن حضرت تنها چنین فرمود: خدای
تبارک و تعالی فرشته‌ای را نازل می‌کند - هر شب در
ثلث آخر شب و شب‌های جمعه، در اول شب - پس
فریاد می‌زند: آیا سائلی هست که به او عطا کنم؟....
هم‌چنین در معجزه انشقاق قمر، برخی افسانه‌سرایان
اضافه می‌کردند: «پس از آن که ماه دو نیمه شد، نیمی از آن
آمد و از گریبان پیامبر وارد و از سر آستینش خارج شد».
سید بن طاووس می‌نویسد:

حَدِيثَ فَخَلَقَ اللَّهُ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ الَّتِي صَوَّرَهَا فِي اللَّوْحِ
الْمَحْفُوظِ؛ پس خداوند، آدم را به شکلی آفرید که آن
را در لوح محفوظ ترسیم کرده بود با حذف چند واژه
آخر چنین آورده‌اند: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ آدَمَ عَلَى صُورَتِهِ؛ همانا
خدا، آدم را به صورت خود آفرید. از این‌رو، ناچار
شدند حدیث را تأویل کنند.^۲

۱. بحارالانوار، ج ۳، ص ۳۱۴، ح ۷.

۲. همان، ج ۱۱، ص ۱۲۱، ح ۵۵.

مشهورات بی‌اساس

اکنون نمونه‌هایی از احادیثی را می‌آوریم که به اشتباه، حدیث تلقی شده‌اند. بحث تفصیلی درباره بررسی نقاط ضعف این احادیث را باید در منابع دیگر پی گرفت.^۱

از امام حسین نقل است:

«إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَجِهَادٌ»^۲

این‌کان دین محمد لم یستقیم إلّا بقتلی فیا سیوف خذینی.

این بیت از شیخ محسن ابوالحب (م ۱۳۰۵ ه.ق) بوده و او چنین است:

أَعْطَيْتُ رَبِّي مَوْثِقًا لَا يَنْتَهِي

إِلَّا بِقَتْلِي فَاصْعِدِي وَذَرِينِي.

جمله «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَا وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَا وَكُلُّ شَهْرٍ مُحَرَّمٌ»

حدیث نبوده و از امام صادق نیست، گرچه می‌تواند معنای درستی داشته باشد.

تعبیر «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي وَ...» از امام نقل نشده و عبارت مروی چنین است:

هَلْ مِنْ ذَابٍّ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؟ هَلْ مِنْ مُوَحِّدٍ يَخَافُ اللَّهَ فِينَا؟ هَلْ مِنْ مُعِثٍ يَرْجُوا اللَّهَ فِي إِغَاثَتِنَا؟ أَمَا

۱. درباره احادیث جعلی، کتاب‌های مستغنی تدوین شده است، مثل: «الأخبار الدخيلة» از محقق شوشتری.

۲. برای توضیح بیشتر در مورد بند ۱ تا بند ۴ نک: ره توشه راهیان نور، محرم ۱۴۲۶ ه.ق / ۱۳۵۷، ص ۳۸، مقاله جواد محدثی.

مِنْ طَالِبٍ حَقٍّ يَنْصُرُنَا...؟ أَمَا مِنْ مُعِيْثٍ يُغِيْثُنَا لَوَجْهِ اللَّهِ؟
هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُ دُرَيْتَهُ الْأَطْهَارَ؟^۱

متن و مضمون حدیث معروف اسرار حج در گفت و گوی
امام صادق و شبلی، قوی است، ولی در قرن دهم به بعد پیدا
شده است. باید دانست شبلی یک صوفی سنی متولد ۲۵۴
هـ.ق و متأخر از امام است. شبیه همین روایت در متون
صوفیانه اهل سنت، فراوان است.

در وجه تسمیه سرزمین عرفات، بیان‌های ضعیفی وارد
شده است. از جمله گفته‌اند:

«به حضرت آدم گفتند: اعْتَرِفْ، فَاعْتَرَفَ.» یا «امام
علی(ع) در این جا دیده به روی پیامبر باز کرد. فَعَرَفَهُ.» یا
این جا آدم، حوّا را شناخت و نظیر آن.^۲

از پیامبر اکرم(ص) روایت کرده‌اند:

إِنَّمَا أَصْحَابِيْ مِثْلُ النُّجُومِ فَأَيُّهُمْ أَخَذْتُمْ بِقَوْلِهِ إِهْتَدَيْتُمْ؛
همانا یارانم مثل ستارگانند. به سخن هر کدام عمل
کنید، هدایت خواهید شد.» یا «أَصْحَابِيْ كَالنُّجُومِ بِأَيِّهِمْ
إِقْتَدَيْتُمْ إِهْتَدَيْتُمْ» و....

این گونه احادیث به دست امویان و به منظور تطهیر
مجرمان و منافقان ساخته شده و مخالف کتاب و سنت و عقل
است و معیارهای صحیح متنی و سندی ندارد.^۱

۱. بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۱۲.

۲. ابن نما حلی (۶۴۵ هـ)، مشیر الافران، نجف الاشرف، المطبعة حیدریه، ۱۳۶۹.
هـ. ق، ص ۵۲؛ موسوعة کلمات اسلام الحسینی، مرکز تحقیقات باقرالعلوم، قم،
نشر معروف، ج ۱، ۱۴۱۵ هـ. ق، ص ۴۸۴.

از پیامبر خدا(ص) نقل شده است:

لَا تَطْعُنُوا عَلَى أَهْلِ التَّصَوُّفِ وَ الْخِرَقِ فَإِنَّ أَخْلَاقَهُمْ
أَخْلَاقُ الْأَنْبِيَاءِ وَ لِبَاسُهُمْ لِبَاسُ الْأَنْبِيَاءِ؛ بر صوفیان و
خرقه‌پوشان طعنه مزید، زیرا اخلاق‌شان، اخلاق
پیامبران و لباس‌شان، لباس پیامبران است.^۲

گفتنی است کتاب «نقش دانش رجال در تفسیر و علوم
قرآنی» از علی اکبر کلانتری، مبحثی در احادیث تفسیری
دارد و آیت الله معرفت نیز در تلاشی گسترده، روایات
تفسیری را نقّادی کرده که تنها مجلد اول آن، در شمارگان
محدودی، منتشر شده است.

برخی از نویسندگان نیز به نقد و بررسی بخش خاصی از
روایات جعلی پرداخته‌اند. برای نمونه، محمد علی مردانی در
کتاب «احادیث جعلی و ساختگی»،^۳ برخی از مستندات
دراوه‌ش را تضعیف کرده است.

۱. در تضعیف و توضیح این حدیث، کتاب و مقاله‌هایی نوشته‌اند، مثل: محمد
لواسانی، دُرّ منظوم؛ نک: سید علی حسینی میلانی، الرسائل العشر؛ نجات الأزهار،
ج ۳، صص ۱۲۰ - ۱۳۴؛ عجلونی، کشف الخفاء، ج ۱، ص ۱۴۷؛ شیخ الطائفة
أبی جعفر طوسی، تلخیص الشافعی، ج ۳، ص ۳۷.
۲. این حدیث در کتاب کشف الخفاء، ج ۲، ص ۳۵۱، ح ۳۰۰۱ نقل شده است.
بدیهی است خرقه و تصوف ده‌ها سال پس از آخرین پیامبر خدا پیدا شد و
پیامبران پیشین نیز زیر خرقه نبودند.
۳. محمد مردانی، احادیث جعلی و ساختگی، قم، سپهر آذین، ۱۳۸۵، ج ۱.

فصل سوم: شیوه‌های فهم حدیث

ارزش درک و درایت

تا پیام پروردگار درست دریافت نشود، تبلیغ آن ممکن نخواهد شد. پس شرط اول این راه، درک درست محتوای احادیث است که در این وادی باید مراحل و منازل را پیموده و پیش از ورود، باید به ارزش والای درایت درست توجه کرد.

حضرت صادق می‌فرماید:

حَدِيثٌ تَذْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ حَدِيثٍ تَرْوِيهِ؛ درایت یک حدیث برایت از روایت هزار حدیث بهتر است.^۱

نیز می‌فرماید:

إِغْرِفُوا مَنَازِلَ شِيعَتِنَا بِقَدْرِ مَا يُحْسِنُونَ مِنْ رَوَايَاتِهِمْ عَنَّا...؛ مقام و منزلت شیعیان ما را با مقیاس حسن درک و فهم روایات ما، ارزیابی و شناسایی کنید.^۲

امیرالمؤمنین علی فرموده است:

هِمَّةُ السُّفْهَاءِ الرِّوَايَةُ وَ هِمَّةُ الْعُلَمَاءِ الدِّرَايَةُ؛ همت کم‌خردان، نقل است و همت دانشمندان، فهم.^۳

۱. معانی الأخبار، ج ۲، ص ۳؛ بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۸۴، ح ۵.

۲. بحارالانوار، ج ۲، ص ۸۲، ح ۱.

۳. همان، ج ۲، ص ۱۶۰، ح ۱۳، قرطبی به همین مضمون از پیامبر اعظم (ص) نقل کرده است. نک: تفسیر القرطبی، ج ۱، ص ۴۱.

آن حضرت درباره آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ می‌فرماید:

... عَقَلُوا الدِّينَ عَقْلَ وَعَايَةٍ وَرِعَايَةٍ، لَا عَقْلَ سَمَاعٍ وَ
رِوَايَةٍ. فَإِنَّ رِوَاةَ الْعِلْمِ كَثِيرٌ وَرِعَاةُ قَلِيلٌ.^۱ دین را چنان
که باید، دانستند و به کار بستند، نه که تنها آن را
شنیدند و به دیگران گفتند که راویان دانش بسیارند،
ولی پاسداران آن به شمار اندکند.»

زیان کُزفهمی و نادانی نیز جبران ناپذیر است. رسول
خدا(ص) فرمود:

مَنْ حَدَّثَ بِحَدِيثٍ لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهُ - لَا هُوَ وَلَا الَّذِي
حَدَّثَهُ - إِلَّا كَأَنَّمَا هُوَ فِتْنَةٌ عَلَيْهِ وَ عَلَى الَّذِي حَدَّثَهُ.^۲ هر
که سخنی بگوید که نه خود معنایش را بداند و نه
طرف مقابل، مانند آن است که خود و او را در فتنه
انداخته است.

امانت و ترک خیانت از مباحث اساسی اخلاق اجتماعی
اسلام است و خیانت علمی به مراتب از خیانت مالی زیان
بارتر است. خیانت و زیان یک پزشک یا قاضی ناآگاه از
زیان و خیانت یک خطیب ناآگاه که سخن گوی معارف
دینی گردد، بسی کمتر است.

۱. نهج البلاغه، ج ۲۳۹.

۲. کنز العمال، ج ۲۹۲۸۴.

رسول خدا(ص) فرموده است:

تَنَاصَحُوا فِي الْعِلْمِ فَإِنَّ خِيَانَةَ أَحَدِكُمْ فِي عِلْمِهِ أَشَدُّ مِنْ
خِيَانَتِهِ فِي مَالِهِ؛ در امور علمی، خیرخواه همدیگر باشید؛
زیرا خیانت هر کدام از شما در امور علمی، از خیانت
مالی بدتر است.^۱

شیوه‌های فهم احادیث

۱. توجه به ترجمه‌ها و شروح صحیح و برتر

بیش‌تر منابع روایی دارای ترجمه و شرحند. مبلّغ باید همه
ترجمه‌ها را بشناسد. صحیح‌ترین، روان‌ترین و رستارین
ترجمه‌ها را تهیه یا به آن‌ها مراجعه کند. هم چنین باید از
بهترین شروح روایی بهره‌برد.^۲ برای نمونه، تحف العقول
چند ترجمه دارد که رستارین آن‌ها به نام رهاورد خرد از
پرویز اتابکی است.

۲. واژه‌شناسی و ادبیات

آشنایی با معانی لغات عصر ائمه(ع)^۳ و تسلط بر ادبیات
مثل صرف و نحو و معانی بیان و بدیع لازمه درست معنا

۱. بحارالانوار، ج ۲، ص ۶۸.

۲. در بخش سوم = فصل دهم برخی ترجمه‌ها و شروح شناسایی می‌گردد. برخی
مجلات به معرفی و نقد و بررسی ترجمه‌ها می‌پردازند و برای گویندگان و
نویسندگان بسیار پر فایده‌اند، مثل مجله مترجم، ترجمان وحی، آینه پژوهش، نشر
دانش، علوم حدیث.

۳. در ترجمه روایات نباید از امثال المنجد که واژگان روز مره را توضیح می‌دهد،
استفاده کرد، بلکه معنای لغت را باید در موارد کاربرد آن در قرآن و روایات و

کردن حدیث است. مروری بر برخی ترجمه‌های ناقص، اهمیت موضوع را مشخص‌تر می‌کند که اکنون برمی‌شماریم.

۱. «النَّصِيحَةُ لِأَيِّمَةِ الْمُسْلِمِينَ»، به معنای خیرخواهی برای رهبران اسلامی است. در فارسی، «نصیحت» به معنای پند و اندرز است، ولی در سال‌های اخیر، برخی، آن را به معنای انتقاد دانستند و دایره انتقاد را نیز آن قدر توسعه دادند که شامل تخریب‌های بیگانگان نیز می‌شد.^۱

۲. «الْحَسُودُ لَا يَسُودُ»؛ یعنی حسود به آقایی نمی‌رسد. به دلیل انس ذهنی «يَسُودُ» با سُودِ فارسی، بسیاری از گویندگان، آن را چنین ترجمه می‌کردند: «حسود، سود نمی‌برد».

۳. وصیت حضرت امیر مؤمنان علی در بستر شهادت «...عَلَيْكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ تَقْظِمِ أَمْرِكُمْ»، سفارش به تقوا و حفظ نظام به معنای حکومت اسلامی است. واژه «امر» در این جمله مثل «أَوَّلُوا الْأَمْرَ» در آیه اطاعت است، ولی معمولاً به معنی امور و نظم در کارها ترجمه می‌شود.^۲

ادعیه ائمه و نیز قدیمی‌ترین لغت‌های عرب جست و جو کرد، مثل: العین احمد بن خلیل فراهیدی، مخصص ابن سیده، مجمل اللغة و مقایس اللغة ابن فارس؛ فقه اللغة ثعالبی؛ تهذیب اللغة ازهری؛ نهایة ابن اثیر؛ جمهرة اللغة ابن درید؛ المحيط فی اللغة از اسماعیل ابن عباد؛ الصحاح جوهری.

۱. برای توضیح بیشتر نک: مقاله «درست معنا کنیم»، مجله مبلغان، ش ۷۸، صفحه ۴۶.

۲. درباره معنای درست این جمله چند تحقیق و پایان نامه تدوین شده است.

۴. در حدیث نبوی «اِخْتِلَافُ أُمَّتِي رَحْمَةٌ»^۱ «اختلاف» در این جا به معنای رفت و آمد معنا شود، بهتر است؛ یعنی مردم نزد معصومان، رفت و آمد و آموزش داشته باشند. این جمله نظیر «إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ...»^۲ و تعبیر «وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ» در زیارت جامعه کبیره است.

کسانی اختلاف را به معنای درگیری و مصداق «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا»^۳ گرفتند و به توجیه اختلاف های جناحی و تشکیلاتی یا به تحسین «اختلاف» و توجیه آن به معنی اختلاف سلیقه پرداختند.^۴

عبدالمؤمن انصاری از حضرت صادق پرسید: گروهی از پیامبر خدا روایت می کنند: «إِنَّ اخْتِلَافَ أُمَّتِي رَحْمَةٌ» آیا درست می گویند؟ حضرت فرمود: آن گونه نیست که تو و آنان تصور می کنید. اگر اختلاف شان رحمت باشد، پس باید اجتماعشان عذاب باشد. منظور همان کوچ و تعلیم علم است و ... نه اختلاف دینی. دین یکی بیش نیست.^۵

۱. کنز العمال، ح ۲۸۶۸۶؛ فیض القدر، ج ۱، ص ۲۰۹.

۲. بقره، ۱۶۴؛ آل عمران، ۱۹۰؛ یونس، ۶؛ المؤمنون، ۸۰.

۳. القصص، ۴.

۴. گفتنی است یکی از مبانی جامعه مدنی، تحسین و توجیه «اختلاف» است، به این هدف که هرگاه جامعه متحزب و تشکلی گردد و احزاب بر اثر رقابت و سودجویی درگیر شوند، تنور رقابت داغ شود و مردم در صحنه حضور می یابند.

۵. معانی الأخبار، ص ۱۵۷؛ میزان الحکمه، ح ۴۸۴۴.

۵. حدیث «السُّلْطَانُ ظِلُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»^۱ در سال‌های اخیر به گونه‌های متعددی، ترجمه و از آن بهره‌برداری سیاسی شد. طاغوت با استفاده به این حدیث، شعار «خدا، شاه، میهن» و موهبتی بودن سلطنت از طرف خداوند را ترویج می‌کرد. برخی همین سخن را به مستندی برای کوبیدن جوامع روایی چون بحارالانوار تبدیل کردند و توجیه‌گر ستم دانستند. حضرت امام خمینی(ره) از مفهوم حدیث بهره برد که اگر «شاه» سایه سان، هماهنگ با احکام و دین خدا نباشد، سلطان نیست و باید سرنگون گردد.

منظور از «سلطان» در روایات و لسان فقهای قدیم، همان «امام عادل یا معصوم» در اصطلاح امروزی فقه ما است. به روایت زیر بنگرید:

الدِّينُ وَ السُّلْطَانُ أَخَوَانِ تَوَآمَنَ لِإِثْدَى لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِنْ صَاحِبِهِ وَ الدِّينُ أَسُّ وَ السُّلْطَانُ حَارِسٌ وَ مَا لَا أَسَّ لَهُ مُنْهَدِمٌ وَ مَا لَا حَارِسَ لَهُ ضَاعٌ.^۲

دین و سلطان، همراه هستند و هر کدام به دیگری وابسته است (شریعت و قانون، مجری و محافظ می‌خواهد و فرمانروا به قانون و دین نیاز دارد) و دین، پایه و اساس و سلطان، نگهدارنده است. هر چیزی شالوده محکم نداشته باشد، خراب شدنی است و هر چه نگهدارنده نباشد، ضایع شدنی است.

۱. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۵۴ و ج ۷۷، ص ۱۶۵.

۲. الاختصاص، ص ۲۶۳؛ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۴، کنز العمال، ج ۶، ص ۱۰، ح ۱۴۶۱۳.

۶. برخی افراد از بشارت به ظهور حضرت مهدی (عج) در جمله «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» استفاده می‌کنند: «باید زمین پر از ستم و مردم همه فاسد شوند تا حضرت ظهور فرماید». اندک تأملی در متن روایت، نشان می‌دهد که تعبیر نشده است: «مِلِئَتْ الْأَرْضُ ظَالِمًا وَ جَائِرًا». شیوع ستم با حضور معدودی از سران ستمگر تحقق می‌یابد. پس نیازی نیست که فرد فرد مردم جائر و فاسق شوند.

۷. گاهی انس ذهن به معنای فارسی، سبب انحراف در ترجمه‌ها می‌گردد. برای مثال در حدیث «إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ»؛ یعنی «هنگامی که عقل کامل گردد، سخن گفتن کاهش می‌یابد» ترجمه می‌کردند: «وقتی عقل تمام شود (یعنی به صفر برسد)، سخن گفتن ناقص می‌شود». این در صورتی است که عرب، برای پایان یافتن و تمام شدن از واژه «انتهی» استفاده می‌کند.

۳. نقش زمان و مکان

ترجمه و برداشت از احادیث، نوعی اجتهاد است. همان‌گونه که توجه به نقش زمان و مکان، در استنباط‌های فقهی اثر دارد، تمامی مهارت‌های فقهی مانند علم اصول، زبان‌شناسی و توجه به عنصر زمان و مکان، در درست معنا کردن حدیث اثرگذار است. برای نمونه، ایجاد روشنایی و نور در مساجد و مشاهد، مطلوب است. روزگاری نوربخشی با شمع بود و نذر شمع، صحیح و ثواب بود، ولی امروزه چنین نیست و از خرافات شده است. این موضوع به جهت توجه

نکردن به همین نکته است. اگر مبلغان گفته بودند که مطلوبیت «شمع» ویژه دورانی است که برق نبود، این همه با خرافات شمعی، کثیف کردن محیط و اسراف رو به رو نمی شدیم.

در زمینه نور و تاریکی، این روایت را نیز باید بررسی کرد که: «هر کس چشمانش را دوست دارد، پیش از مغرب مطالعه نکند».

شاید این روایت ویژه دوران‌هایی باشد که وسایل روشنایی، به قدر کافی و فراوان، وجود نداشت و امروزه که می‌توان در همان وقت، فضا را کاملاً روشن کرد، کراهت مطالعه پیش از غروب، منتفی باشد.

امروزه زمینه برخی احادیث دیگر نیز منتفی است، مانند کراهت سلام کردن به کسی که در حال اجابت مزاج است. چنین مواردی ویژه دوران قدیم و خلا رفتن صحرائی و مکان‌های باز بود. امروزه که سبک سرویس‌های بهداشتی، انسان را کاملاً پنهان می‌کند، زمینه این حدیث منتفی است. احادیثی نیز که برخی آداب حمام را مطرح می‌کند، مثل استحباب نوشیدن از آب خزینه، دیگر معتبر نیست.

تطبیق برخی احادیث بر زمان و مکان نیز درایت کافی می‌طلبد. برای نمونه درباره حاکمان یا عالمان دوره آخرالزمان - که از زمان پیامبر اکرم(ص) تا قیام قیامت را شامل است - نکوهش‌هایی وجود دارد. با آن‌که امام عادل مثل امام امیرالمؤمنین علی(ع) و امام حسن مجتبی(ع) نیز

بوده‌اند و در دوران غیبت نیز به یقین حاکمان عادل و صالح وجود دارند. در این زمینه به دو روایت توجه کنید:

(الف) پیامبر اعظم (ص) فرموده است:

إِنَّ طَعَامَ أَمْرَائِي بَعْدِي مِثْلُ طَعَامِ الدَّجَالِ، إِذَا أَكَلَهُ الرَّجُلُ
انْقَلَبَ قَلْبُهُ؛ خوراک فرمانروایان پس از من بسان
خوراک دجال است که هرگاه انسان از آن استفاده کند،
دلش وارونه گردد.^۱

(ب) پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ أَمْرَاءَ كَذِبَةٍ، وَ وُزَرَاءَ
فَجَرَةٍ، وَأَمْنَاءَ خَوْنَةٍ، وَ قُرَاءَ فَسَقَةٍ، سَمْتُهُمُ سَمْتُ الرُّهْبَانِ،
و لَيْسَ لَهُمْ رَغِيَّةٌ (رِعة) فَلْيُلْبِسُهُمُ اللَّهُ فِتْنَةً غِبْرَاءَ مُظْلِمَةٍ،
يَتَهَوَّ كُونَ فِيهَا تَهَوُّكَ الْيَهُودِ فِي الظُّلَمِ.^۲ قیامت برپا
نگردد تا خداوند فرمانروایانی دروغ گو، وزیرانی فاجر،
امینانی خاین، قاریانی فاسق، بی‌تقوا و با ظاهری زیبا
برانگیزاند. پس خداوند، فتنه و بلایی سیاه و تاریک بر
آنان ریزد، به گونه‌ای که در آن فتنه همانند فرو رفتن
یهود در ستم فرو روند.

همین گونه است چند حدیث که از قیام به سیف پیش از
ظهور حضرت مهدی (عج) نهی می‌کند و رهبر قیام را
طاغوت می‌شمارد. باید دانست همه آن احادیث، ویژه
قیام‌های زیرزمینی یا مسلحانه‌ای است که بدون هماهنگی با

۱. معجم أحادیث الإمام المهدی، ج ۱، ص ۳۳، ح ۱۲.

۲. همان، ص ۲۶، ح ۶.

ائمه انجام می‌شد و نتیجه‌ای نداشت، نه در نكوهش مقاومت در برابر استكبار و عوامل آن.

اگر در روایات اتفاق، بیشتر بر خوراک و پوشاک پافشاری شده است، به این معنا نیست که اگر امروزه برای مسکن و ازدواج و کار اتفاق شود پاداش کمتری دارد، بلکه موارد اول در عصر ائمه، مشکل جدی و موارد اخیر، مشکل اساسی جامعه کنونی و جوانان امروز است.

هم‌چنین در باره خوراک و پوشاک باید گفت اگر بیشتر مثال‌ها از خرما و پیراهن است، بدان معنا نیست که دیگر میوه‌هایی که در منطقه ما فراوانند یا لباس‌هایی که رایج است و در آن روزگار یا در حجاز چنین نبوده است، مورد تأکید نباشد.

۴. شأن صدور

همان گونه که شأن نزول و فضای نزول، در تفسیر آیات راه گشاست، این جهات در صدور و نشان دادن معنا و مقصد روایت نیز مؤثر است.

درباره مسائل طبیعی که ائمه اطهار(ع) در ضمن احادیث خود مطرح کرده‌اند - چنان که شیخ صدوق در کتاب اعتقاداتش نوشته است - تعبد به روایات، مطرح نیست. بسیاری از این روایات، بر اساس علوم طبیعی آن عصر صادر شده‌اند.^۱

۱. یادنامه علامه مجلسی، ج ۳، ص ۲۳۷.

الف) آثار شناخت شأن صدور

از آثار شناخت شأن صدور به این موارد می توان اشاره کرد: ایجاد بصیرت در فهم حدیث، تخصیص عام و تقید مطلق و تبیین مجمل، بیان علت حکم، شناسایی موارد تقیه در احادیث، رفع تعارض، تبیین نسخ، ترجیح بین احادیث، رفع ابهام از برخی واژگان یا عبارت های نامفهوم، آشنایی با شیوه تبلیغ و ترویج معصومان(ع)، آشنایی با افرادی که به آنان خطاب شده یا درباره آنان صادر شده است، تسهیل در حفظ احادیث.^۱

ب) مثال های شأن صدور:

۱. از امام حسین(ع) چنین مضمونی روایت شده است:

اگر خدا صد پسر هم به من بدهد، دوست دارم نام علی را بر آنان بنهم.^۲

به احتمال قوی، بیان این ستم، واکنش امام به شیوه بنی امیه و معاویه بود که می کوشیدند حتی نام علی نابود شود. از این رو، با تعبیر «ابو تراب» از آن حضرت یاد می کردند و بر سبّ و لعن امام علی اجبار و اصرار داشتند. این سخن بدان معنا نیست که بهتر از نام علی وجود ندارد. بهترین تأیید این موضوع نیز گفتار و رفتار چهارده معصوم در نام گذاری است.

۱. محمد جعفر شهروزی، مقاله «نگاهی کلی به اسباب صدور احادیث»، مجله

علوم حدیث، ش ۳۹، صص ۴۴ و ۴۵.

۲. نام ها و نام گذاری ها، ص ۸.

شواهدی بر ممنوع بودن نام علی وجود دارد. از آن جمله
ابن حجر عسقلانی می‌نویسد:

«اگر بنی‌امیه می‌شنیدند که نام نوزادی را علی
گذارده‌اند، او را می‌کشتند.» رباح وقتی این خبر را
شنید، گفت: «نام فرزند من عَلی است.» خود علی بن
رباح می‌گفت: «هر کس مرا علی بخواند، او را
نمی‌بخشم. اسم من عَلی است»^۱.
مردی به حجاج بن یوسف گفت:

ای امیر! خانواده‌ام مرا عاق کرده و نام مرا علی
گذارده‌اند. نام مرا تغییر بده....^۲

۲. زائری از حضرت امام جواد پرسید: «من هر ساله
توانایی زیارت را دارم. آیا به زیارت جدتان امام حسین بروم
یابه زیارت پدرتان امام رضا(ع)؟»

حضرت امام جواد(ع) پس از لحظه ای می‌فرماید: «به
زیارت پدرم امام رضا برو؛ زیرا جدّم زائر دارد»^۳.

چنان که از ذیل روایت مشخص می‌شود، این روایت در
فضایی صادر شده که امام هشتم غریب بود. با توجه به

۱. تهذیب التهذیب، احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، بیروت، دارالمعرفة، ج ۴،
ص ۱۹۳ ذیل ترجمه علی بن رباح لخمی، شماره ۵۵۳۶ و در چاپ دار الکتب، ج
۷، ص ۳۱۹.

۲. شرح نهج البلاغة ابن ابی الحدید، ج ۴، ص ۵۸.

۳. نک: کامل الزیارات، ص ۳۲۱، باب ۱۰۱، ح ۷ و ۱۱.

روایات زیارت کربلا،^۱ نمی‌توان گفت امروزه زیارت امام رضا از زیارت کربلا افضل است.

۳. در روایتی در خصال صدوق آمده است: «با خوزی ازدواج نکنید».

مترجم هم بدون تأمل، آن را به «خوزستانی» ترجمه کرده است، در صورتی که به قرینه روایاتی دیگر، در عصر ائمه (ع)، خوزی، طایفه خاصی بودند.

۴. درباره گزینش همسر نجیب به روایت زیر برمی‌خوریم:
رسول الله (ص) فرمود:

ثَلَاثَةٌ لَا يَنْجُبُونَ: أَعْوَرُ عَيْنِ الْيَمِينِ، وَ أَرْقُ كَالْفَصِّ وَ
مَوَلَّدِ السِّنْدِ؛ سه گروهند که نجات ندارند: کسانی که
چشم راستشان لوچ است؛ چشم آبی‌هایی مثل نگین و
فرزندان سند.^۲

پس نباید آخرین واژه را چنین معنا کنیم: «و اهل هند نجیب نیستند.» باید احراز شود ضبط و معنایی که در عصر وحی، مستمعان آنان، درمی‌یافتند، چه بوده است. با نگاهی به تاج العروس می‌یابیم که این واژه بر حدود ده مکان و منطقه اطلاق می‌گردد.^۳ واژه «چشم آبی» نیز اصطلاح خاصی بوده است.

۱. نک: کامل الزیارات، بیشتر فصلها؛ بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۴۹.

۲. العوامل المؤثرة فی تربية الطفل ماقبل الولادة، ص ۷۸؛ میزان الحکمه، ج ۴، ص ۲۸۰، باب «زوج».

۳. تاج العروس، ج ۸، صص ۲۱۵ - ۲۲۴، واژه «سند».

۵. مدح یا مذمت

«مَتَعَمِّقُونَ»: امروزه «تعمّق» به معنای ژرف‌اندیشی و غور و تحقیق است، در مقابل ساحل پیمایی و سطحی‌نگری. در فرهنگ عصر صدور که با بررسی خانواده این واژه به دست می‌آید، تعمّق به معنای افراط و خروج از اعتدال به کار رفته است.

در روایت مشهوری نقل شده است:

از حضرت سجاد (ع) درباره توحید پرسیدند. حضرت فرمود: خدای عزّ و جلّ می‌دانست که در آخر الزمان، گروه‌هایی متعمّق پدید می‌آیند. از این رو، سوره توحید و شش آیه اول سوره حدید را نازل کرد. پس هر کس فراتر از آن را بخواهد، هلاک می‌شود.^۱

از معنای اول، مدح و از دوم، مذمت اقوام آخر الزمان را می‌توان فهمید. مفسرانی چون فیض کاشانی و صدر المتألهین در جناح اول (مدح) و مفسرانی چون علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی در گروه دوم قرار دارند. مضمون حدیث هنوز هم مصاف عارفان و محدثان است و مفسران می‌توانند فصل الخطابی ارائه کنند.^۲

۱. نک: الکافی، ج ۱، ص ۹۱؛ توحید صدوق، ص ۲۸۳؛ تفسیر المیزان، ذیل آیات سوره حدید (نقل به مضمون).

۲. نک: رضا پرنج کار و عسکری سلیمانی، مجله نقد و نظر، ش ۳۲ و ۳۱، صص ۴۴۳ - ۴۸۵ و ش ۳۳ و ۳۴، صص ۴۷۴ - ۵۲۱.

۶. شناسایی اشارات و تعریضات

از آیت‌الله بروجردی منقول است:

بسیاری از روایات فقهی ائمه (ع)، تعریض و اشارتی است بر فقه رایج زمانه. از این رو، فقیه باید آن را بداند تا اشارات را دریابد.

می‌توان گفت در باب معارف و اعتقادات نیز چنین است.

حضرت امام صادق (ع) فرمود:

لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ فَقِيهًا حَتَّى يَعْرِفَ مَعَارِيضَ كَلَامِنَا؛
کسی از شما دانشمند و فهمیده به حساب نمی‌آید مگر
وقتی که تعریض و گوشه و اشارات کلام ما را
بشناسد.^۱

باز می‌فرماید:

أَنْتُمْ أَفْقَهُ النَّاسِ إِذَا عَرَفْتُمْ مَعَانِيَ كَلَامِنَا ...؛ شما از
همگان دین‌شناس‌ترید، هنگامی که ژرفای معانی
سخنان ما را دریابید. به درستی که واژگان، به
صورت‌های گوناگون متحول می‌شوند....^۲

اکنون به ماجرای ذبح کدو اشاره می‌کنیم که در سه
روایت، از امیر مؤمنان علی درباره کدو می‌پرسند. «عَنِ الْقُرْعِ
أَيُّ ذُبِحَ؟ فَقَالَ: لَيْسَ شَيْءٌ يُذَكَّى. فَكُلُوا الْقُرْعَ وَ لَا تَذْبَحُوهُ وَ لَا

۱. میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۲۵۴، ح ۱۶۱۵۲.

۲. همان، ح ۱۶۱۵۱، نک: مجله کتاب نقد، ش ۳۳، ص ۳۹.

يَسْتَفْزِنُكُمُ الشَّيْطَانُ؛^۱ از کدو پرسیدند که آیا ذبح شدنی است؟ فرمود: کدو چیزی نیست که ذبح شود. کدو را بخورید و آن را ذبح نکنید و مراقب باشید شیطان، شما را گمراه نکند».

برخی در معنای حدیث متحیر ماندند و گفتند شاید مراد از «قرع»، همان جنین در شکم مادر باشد، ولی بنا به توضیح حواشی بحارالانوار، ابن شهر آشوب نقل می‌کند:

وقتی معاویه می‌خواست با امام علی بجنگد، درباره پشوانه مردمی، با عمروعاص مشورت کرد. عمروعاص گفت: مردم را آزمایش کن و بگو: کدو باید مانند حیوان، رو به قبله ذبح شود و ذابح مسلمان بوده و وسیله برنده، آهن و با بسمله باشد. اگر مردم شام پذیرفتند و از تو اطاعت کردند، بدان که در جنگ نیز مطیع تو خواهند ماند. و آن مردم پیروی کردند و این شبهه به تدریج به مردم مسلمان دیگر مناطق سرایت کرد.

۷. تشخیص جهت و هدف

آشنایی با حال و هوای صدور روایات، کمک می‌کند تا هدف و مقصد معصوم، آشکار و حدیث یا قصه، درست درک شود. به این برداشت نادرست بنگرید:

۱. نک: بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۲۲۶؛ امالی طوسی، ج ۱، ص ۳۷۲؛ المحاسن، ص ۵۲۰.

در نوشته‌ای درباره کوهنوردی آمده است:

حضرت محمد (ص) به کوه حرا و نور می‌رفت. حضرت موسی (ع) به کوه طور می‌رفت. جبل فاران در دعای سمات مطرح است. پس کوهنوردی در اسلام، واجب و سیره انبیاست.

ای کاش هزاران شیخ صدوق داشتیم تا کتاب‌های «معانی الأخبار» می‌نوشتند و کار مبلغان را آسان می‌کردند.

۸. جامع نگری

تا احادیث یک موضوع به صورت جامع دیده نشود، شرح و تفسیر و معنای درست آن به دست نمی‌آید؛ زیرا مطلق و مقید، عام و خاص و احادیث متخالف و متنافی و قرائن را باید در نظر گرفت. در غیر این صورت، مفاهیم اسلامی، ناقص و نادرست درک می‌شود و کسی جمله «لَا حَيَاءَ فِي الدِّينِ»^۱ و دیگری «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ»^۲ را می‌خواند.

مثال دیگر آن است که استخاره دو اصطلاح دارد. یکی، طلب خیر از خداوند و دیگری، راه‌یابی به کمک قرآن یا تسبیح برای رفع تردید و تحیر. کسی که به این دو معنا در احادیث بی‌توجه بوده، نوشته است: «امام حسین هنگام

۱. نک: سید علی سیستانی، الفتاوی المیسرة، صص ۷۰ و ۱۸۹؛ سید محمد سعید حکیم، حواریات الفقہ، صص ۶۷ و ۱۵۰؛ مسند احمد، ج ۵، ص ۴۳۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، صص ۱۲۷۱ و ۳۸۶۵؛ المستدرک، ج ۱، ص ۴۹۷، ح ۳۳.
۲. بحارالانوار، ج ۴۷، ص ۴۵، ج ۷۱، ص ۳۳۱.

خروج از مکه به سوی کربلا، استخاره کرد». بدیهی است برنامه‌های معصومان(ع) هیچ گاه مبتنی بر استخاره برای رفع تحیر نبوده است.^۱

۹. توجه به حقیقت و مجاز و کنایه و استعاره

زبان عربی پر از مجاز، کنایه، تشبیه و استعاره است و این محسنات، در زبان فصحا و امرای حکام بیشتر است. با توجه به آرایه‌های زبانی، مفهوم را باید از ظواهر آن استنباط و بر اساس آن‌ها عمل کرد. بنابراین، اگر حدیثی می‌گوید: «اگر بر سر یتیمی دست بکشی، به تعداد موهایی که زیر دست رد می‌شود، خداوند تعالی حسنه می‌دهد یا گناهت را می‌آمرزد»، کنایه از لزوم مهر و محبت و پر کردن جای خالی عاطفه‌های پدری و رسیدگی به نیازمندی‌های کودکان یتیم به ویژه در زمینه عواطف است.

اگر به صرف دست کشیدن بسنده شود، نتیجه معکوس خواهد شد. یتیمان هم همین حدیث را خواهند شنید و هر بار که دستی بر سرشان کشیده می‌شود، غم غربت و یتیمی شان تازه می‌شود و دل شکسته‌تر می‌شوند. وانگهی اگر هر کسی بخواهد دستی بر سر یتیمی بکشد، پس از مدتی دیگر مویی به سرش نمی‌ماند.

۱. نک: الإمام الحسین فی مکه المکرمة، ج ۲، صص ۲۲۶ - ۲۲۹.

۱۰. شناخت نخستین مأخذ

در حدیث گویی حتماً باید از مأخذ نخستین باخبر باشیم و از منابع دست اول نقل کنیم. مراجعه به منابع اولیه و جوامع روایی^۱ فوایدی فراوان دارد. از جمله آن که در آن جا روایات متعدد و کامل وجود دارد که بر همدیگر قرینه و قید می‌شوند و از تجزیه و تقطیع، تصحیف و تحریف متن و سند بیشتر در امان و سلامتند.^۲ روایت زیر را بنگرید:

رسول خدا(ص) فرمود:

حُبَّ إِلَىٰ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثُ: النِّسَاءُ وَ الطَّيِّبُ، وَ جُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ؛ از دنیای شما سه چیز محبوب من است: زنان، بوی خوش و مایه خشنودی من در نماز است.^۳

برای دانشمندان این پرسش پیش می‌آید که چرا نماز که ستون دین است، معادل و مرادف «طیب» قرار گرفته، در حالی که نماز از متاع دنیا نیز نیست. از این رو، برخی تردیدها یا توجیه‌هایی را بیان داشته‌اند. محدث بحرانی می‌نویسد:

نماز از لذات دنیا نیست. پس پیامبر خدا چون دو نمونه از لذات دنیا را برشمرده، از آن اعراض کرده است، مثل

۱. در فصلی مستقل به معرفی اجمالی مصادر حدیثی می‌پردازیم.

۲. محمد حسن ربانی، اصول و قواعد فقه الحدیث، قم، بوستان کتاب، صص ۵۳ - ۱۱۸.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۴۴، ح ۱۷۵۴ و ۱۷۵۵.

این که فرموده باشد: «مرا با لذت‌های دنیا چه کار؟ قرّة

عینی فی الصلاة» پس واو دوم، استینافیه است ...

روایت کافی چنین است که رسول الله (ص) فرمود:

ما أَحَبُّ مِن دُنْيَاكُمْ إِلَّا النِّسَاءُ وَ الطَّيِّبُ؛ از دنیای تان

چیزی جز زنان و بوی خوش، دوست ندارم.^۱

در روایت دیگری آمده است:

جُعِلَ قُرَّةٌ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ؛ نور چشم من در نماز نهفته

شده است.^۲

صدوق^۳ نیز از انس بن مالک از پیامبر اعظم (ص)، همین

حدیث را به دو طریق نقل کرده است و در هیچ کدام لفظ

«ثلاث» نیست. در سنن بیهقی چنین آمده است: «إِنَّمَا حُبَّ

إِلَى مِن دُنْيَاكُمْ ...».^۴

شیخ صدوق در توضیح این حدیث می گوید: ملحدان به

این خبر چنگ زده و می گویند پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«حُبَّ إِلَى مِن دُنْيَاكُمْ النِّسَاءُ وَ الطَّيِّبُ» و اراده کرد سوم را نیز

بگوید، ولی پشیمان شد و فرمود: «وَقُرَّةٌ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ»،

ولی دروغ گفته‌اند. مراد پیامبر از این حدیث، تنها نماز است؛

زیرا آن حضرت در حدیث دیگری می فرماید: «رَكْعَتَانُ

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۲۱، ح ۶.

۲. همان، ح ۷.

۳. الخصال، ص ۷۹.

۴. السنن الکبری، ج ۷، ص ۷۸.

يُصَلِّيهِمَا مَتْرُوجٌ أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً يُصَلِّيهِمَا غَيْرَ مَتْرُوجٍ؛ دو رکعت که انسان معطر بخواند، از هفتاد رکعت غیر معطر برتر است.» نیز می‌فرماید: «رَكْعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا مُتَعَطِّرٌ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً يُصَلِّيهِمَا غَيْرُ مُتَعَطِّرٍ». پس محبوبیت نساء و طیب نزدش برای نماز است. آن گاه فرمود: «وَجُعِلَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ». پس برای مرد متأهل متعطر - اگر بی‌نماز باشد - بهره و فضیلتی معنوی در این دو، نخواهد بود.^۱

۱.۱. تحولات و تطورات واژه‌ها و معانی

برای فهم حدیث - اضافه بر آنچه در زبان‌شناسی و علم اصول و معانی و بیان و بدیع دانسته ایم - به دقت و هوشیاری و معلومات بیشتر نیاز است؛ زیرا دگرگونی‌های متنوع لفظی یا مصداقی از یک سو و انس ذهنی ما به مفاهیم امروزی از سوی دیگر، غلط‌انداز است.

انواع تغییرات

۱. تطوّر معنای یک کلمه در گذر زمان

بسیاری از اصطلاحاتی که در عصر انقلاب اسلامی ایران در معنایی خاص، متداول شد، در دوران دیگر، معنای دیگری

۱. الحقائق الناضرة، ج ۱، ص ۲۶۲؛ الخصال، ص ۷۹؛ الفقيه، ج ۱، ص ۱۶۵.

دارد. همانند مستضعف = فقیر؛ منافقین = سازمان تروریستی
مجاهدین خلق؛ سازمانی = ساواکی.

در همین دوران بیست ساله، گاه دو معنای متضاد از یک
واژه، به ذهن می‌آید. در ایام پیروزی انقلاب تا حدود یک
دهه بعد، اصطلاح «ولایتی» به کسانی گفته می‌شد که به بهانه
ولایت امیرالمؤمنین علی، مخالف نظام و ولایت فقیه بودند.
از سخنان امام خمینی (ره) است: «این‌ها دیانت هم ندارد، چه
رسد به ولایت». امروزه به عکس، ولایتی و ولایی به
طرفداران ولایت فقیه گفته می‌شود.

هم چنین در قرن اخیر، واژه «روشن فکر» بارها بار منفی و
مثبت پیدا کرده است. گاه به معنای رهبران مترقی و بارها به
معنای غرب زده، بیگانه پرست، ضد ارزش‌ها و فراماسونرها
به کار رفته است.

۲. اصطلاح‌ها و اشتراک‌های لفظی و معنوی

گاهی یک مصداق، چند اصطلاح دارد. مثل مبتدا و خبر
در نحو، مسندالیه و مسند در معانی بیان، موضوع و محمول در
منطق. «شیخ» نیز چنین است. به معنای استاد یا شخصیت بسیار
ارجمند، مثل: شیخ الطائفه طوسی، شیخ مرتضی انصاری،
شیخ رئیس بو علی سینا، شیخ: کهن سال و پیرمرد، شیخ به
معنای خان مثل شیوخ منطقه خلیج فارس که به معنای رئیس
قبیله به کار می‌رود. «فقیر» نیز نزد صوفیان، بار ارزشی دارد،
در حالی که فقیر در فرهنگ عمومی؛ یعنی بینوا. «آخوند» در
حوزه‌ها بار ارزشی دارد، مثل آخوند ملا صدرا و آخوند

خراسانی، ولی در رادیوهای بیگانه و نزد مردم، بار منفی دارد. هم چنین بنی امیه، یاد و نام امیر مؤمنان علی را ممنوع کردند و برای تحقیر، از آن حضرت با واژه «ابو تراب» یاد می کردند. بنابراین، اگر در روایتی، «الحکمۀ» آمده است، نباید به معنای «حکمت و فلسفه» که اصطلاح جدید برای علم خاصی است، ترجمه شود. نماز جعفر طیار در کتاب های اسلامی چند نام دارد: «صلاة الجعفر»؛ «صلاة الحبة». پیامبر اکرم (ص) به جعفر فرمود: «أَحْبُوكَ» و «صلاة التسبیح» به جهت ۳۰ بار تسبیحات اربعه.^۱

هم چنین «استبراء» در فقه، گاهی برای «رجل»، گاه برای «کنیز» و گاه برای «حیوان جلال» به کار رفته است.

۳. دگرگونی های جغرافیایی

در نام ها و نیز مصداق و محدوده های مکانی عصر وحی، تاکنون دگرگونی هایی رخ داده است که برمی شماریم:

الف) تغییر مکانی

شهر بصره در زمان امام علی در محدوده شهر فاو فعلی در راه بصره و کویت قرار داشت و هنوز هم آثاری از مسجد آن بصره وجود دارد. جای کنونی بصره، روستا یا بندر کوچکی به نام «أُبْلَه» بوده است. آن، خراب و این آباد بوده و به بصره موسوم گشته است.

۱. نک: الفقیه، ج ۱، ص ۵۵۲؛ شیخ مفید، الإشراف، ص ۳۰؛ المقنعه، ص ۱۶۸.

اگر واژه «شرق» در روایتی آمده، معمولاً شرق مدینه یا محل صدور روایت، منظور است و با شرق و غرب اصطلاحی امروزی کاملاً تفاوت دارد.^۱

ب) محدوده اطلاق نام‌ها

یکی از رادیوهای بیگانه از قول یکی از روحانی نمایان مدتی تبلیغ می‌کرد: مرقد حضرت معصومه (س) در قم نیست؛ زیرا در منابع قدیم آمده است، فاطمه معصومه (س) در ساوه به خاک سپرده شد. غافل از آن که در آن عصر، «ساوه» به مجموعه منطقه گفته می‌شد که شامل قم هم می‌شود. هم چنین و دریاچه قم (حوض سلطان) را در تاریخ قدیم، دریاچه ساوه می‌نامیدند. همین است پاسخ اعتراض جوانی که به مبلغ اعتراض کرد: «شما می‌گویید: با توگد پیامبر اعظم (ص) دریاچه ساوه خشک شد. ساوه که دریاچه ندارد».

ج) ظهور و افول بلاد

برخی شهرها به کلی نابود شده‌اند، مثل دینور و بسیاری از شهرهای مهم مثل تهران، مشهد، نجف اشرف اصلاً وجود نداشتند.

محدوده جغرافیایی شهرها نیز تغییر یافته است. اگر در روایتی، «خراسان» آمده است، باید دانست محدوده خراسان

۱. نک: زمینه‌سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی، صص ۱۵۷-۱۸۰.

در قدیم شامل بخش‌هایی از افغانستان و ترکمنستان و چند استان کنونی ایران یعنی تقریباً هم مرز کرمان، ری و اصفهان بوده است.^۱

مرکز روم آن روز، منطقه سوریه بوده، ولی رم امروز، ایتالیا است و هر دو مرکز مسیحیت است.^۲

هم چنین دریاچه مازندران و شاید منطقه را بحر قزوین می‌نامیدند.

(د) تحولات مردمی

مردم یک شهر از نظر دین و مواضع سیاسی دست خوش تحولاتند. از این رو، نباید همه را همیشه به یک چشم دید. برای مثال، در روایات برای کفار به «ترک و دیلم» مثال زده‌اند، ولی امروزه جزو مؤمنان متعهد هستند. فرموده‌اند: «مردم اصفهان از دشمنان ما هستند»، ولی امروزه از بهترین عاشقان اهل‌بیت(ع) هستند. امام علی، مردم بصره در زمانی که «جند المرثه» شدند، نکوهش کرد زمانی که مستبصر گشتند، مدح کرد. امتیازات بخشی از مردم کوفه در دفاع از اهل‌بیت(ع) و پایگاه بودن آن شهر برای علاقه مندان

۱. نک: کاظم مدیر شانه چی، پژوهشی درباره حدیث وفقه، صص ۶۰۳ - ۶۳۰.
۲. در این زمینه باید از تاریخ و جغرافیای قدیم جهان اسلام، آگاه بود. چند کتاب از اهل سنت، نقاط احادیثی را که درباره اقوام یا شهرهاست، با انواع نقشه‌های رنگی، مشخص کرده است، مثل: شوقی ابو خلیل، اطلس الحدیث النبوی من الکتب الصحاح السنّة؛ عبدالعزیز کعکی، المجموعۃ المصورة الأشهر معالم المدینة المنورة، ۳ جلد، نک: معجم البلدان.

امامان(ع)، بسیار برجسته است و از شهرهای دیگر کمتر نیست. این در صورتی است که در ذهنیت مخاطبان مداحان امروزی ما، کوفه از منفورترین شهرها است. آیا وظیفه نداریم در برابر این بدآموزی‌ها، از میراث شیعه پاس‌داری کنیم؟

بنابراین، خطیب، باید هنگام مطالعه احادیث، به این نکات توجه کند تا معنا را درست دریابد و خدای ناکرده، برداشت او تفسیر به رأی و تهمت به معصومین(ع) به شمار نیاید.

فصل چارم: هشدار و تذکر

سخنان معصومان(ع) بسان قرآن کریم، محکم و متشابه و آسان و دشوار دارد. گذشته از آن که در گذر زمان، هر چه از عصر حضور دور می شویم، مشکلات این وادی بیش تر و فهم و ابلاغ نصوص، پیچیده تر می شود. این فصل، تذکر و هشدار ی چند درباره بیان حدیث است.

۱. توجه به ظرفیت خواص و عوام

در نوع حدیثی که القا می کنیم، باید بین عوام و خواص، تفاوت گذاشت و احادیث دشوار را در محافل عمومی بیان نشود. این کار از باب بخل یا محروم کردن مردم نیست، بلکه برای خیرخواهی و رعایت تناسب تحمّل شنونده است. مادر حکیم و مهربان، کباب و عسل و روغن حیوانی به نوزادش نمی دهد و اگر بخوراند، ستم کرده است و کودک را بیمار و راهی بیمارستان می کند. در آغاز، رقیق ترین و آسان خوراک ترین غذاها را می دهد، تا جهازهاضمه اش تقویت گردد. پس از توسعه و تقویت معده، باز تناسب و تناوب را رعایت می کند. ما نیز اگر معارف هضم ناپذیر را برای مخاطب بگوییم، او را به تشویش ذهن دچار خواهیم کرد و در این دنیای بدون سنگر ارتباطات، دشمن به راحتی به صید او می پردازد.

در این میان، باید پرسید چرا احادیث دشوار زیاد است؟ در پاسخ باید گفت:

الف) پیامبر اکرم(ص) و امامان(ع) بخیل نبودند و هر چه را مایه سعادت ماست، فرموده و حتی معارف عالی و ملکوتی

را بیان کرده‌اند. به طور کلی، رسول خدا بر گزارش از عالم غیب، بخل نمی‌ورزد: «وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ».^۱

(ب) سخنان معصومان (ع) نیز محکم و مشابه دارد.^۲

(ج) خود ائمه (ع) هشدار داده‌اند. برای نمونه، شعیب حدّاد می‌گوید:

از امام صادق شنیدم: «همانا فهم سخنان ما دشوار، بلکه بسیار دشوار است و توانایی برداشت از آن را کسی جز فرشته مقرب یا پیغمبر مرسل، یا بنده ای که خداوند متعال دلش را به ایمان آزموده یا دارای مدینه حصینه باشد، ندارد. پرسیدند: «مدینه حصینه» چیست؟ امام فرمود: «الْقَلْبُ الْمُجْتَمِعُ».^۳

۲. احادیث جنجال آفرین

بسا خواندن احادیثی - هرچند ساده و قابل فهم و آشکار - مجلس را متشنج کرده یا پرسش‌ها و اعتراض‌هایی را در پی داشته است. در این موارد چه باید کرد؟
پیش از منبر، باید آن حدیث کاملاً بررسی کرد و پس از شناسایی، اگر توان مقدمه چینی و فضا سازی هست، مطرح شود و گرنه باید آن را از دستور کار حذف کرد.

۱. تکویر، ۲۴.

۲. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۸۵، ح ۸ و ۹.

۳. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۸۳، باب ۲۶ «إِنَّ حَدِيثَهُمْ صَعْبٌ مُسْتَعِصِبٌ وَأَنَّ كَلَامَهُمْ ذُو وَجْهِ كَثِيرٍ»، نک: تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۱۴۸؛ سرچشمه اندیشه، ج

۱، ص ۱۰۰ به بعد؛ شرح اصول الکافی، ج ۷، ص ۴.

۳. راه کارهایی برای فهم بهتر

(الف) تقویت علوم ادبی مثل صرف، نحو و معانی بیان، نقش بسزایی در این زمینه دارد.

(ب) گاه یک واژه مبهم است که باید به قاموس‌ها و کتاب‌های صرف رجوع کرد. گاهی ترکیب، مبهم است که از نحو کمک می‌گیریم. گاهی نیز معنای مفرد و ترکیب، مشخص است، ولی منظور حدیث، روشن نیست که باید از معانی بیان و بدیع، کمک بگیریم. شریف رضی (ره) در «المجازات النبویه»، گاهی چند استعاره را از یک حدیث استنباط می‌کند.

(ج) ممارست زیاد و انس با نصوص روایی.

(د) بررسی مجموعه روایات مربوط به موضوع: معمولاً روایات، شارح همدیگرند و نواقص نقل و چاپ و نسخه‌ها و سقط‌ها را جبران می‌کنند. حتی احادیث عامه معمولاً آشکار کننده مفهوم روایات شیعی و احادیث شیعی، مفهوم روایت‌های عامه را روشن‌تر می‌کنند. برعکس هستند.

(ه) تدریس و مباحثه کتاب‌های حدیث.

(و) مراجعه به استاد خبره و اهل فن و رفع اشکال.

(ز) رجوع به شرح‌ها و جوامع روایی مثل مرآه العقول، الوافی، روضه المتقین، بحارالانوار (توضیح‌ها و بیان‌های علامه مجلسی «ره»)، شرح‌های نهج البلاغه و شروحاتی که برای لغات قرآن کریم سامان یافته است، مثل مفردات راغب اصفهانی و المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغه، کمک کار مبلغ هستند.

۲- امام صادق (ع): «إِنَّمَا اتَّخَذَهُ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلًا لِأَنَّهُ لَمْ يَرِدْ أَحَدًا وَ لَمْ يُسَأَلْ أَحَدًا فَقَطَّ غَيْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: تَهَا مِنْ رُو، خَدَاوَنَد، اِبْرَاهِيْمَ رَا بَه مَقَام خَلِيْلِ اللّٰهِ رَسَانِيْد كِه هِيْج كَس رَا دِسْت خَالِمْ بَرَنُغْد دَانِيْد وَ هِيْج گَاه از غِيْر خُدا دَرْخَوَاسْتَنِيْ نَدَك».

۵. برترین و بهترین‌ها

در روایات افعال التفضیل مثل «أفضل الأعمال، أحسن الأعمال و...»، فراوان به چشم می‌خورد. اگر امام جماعت مسجد هر بار، یکی را بیان کند یا شنونده از هر واعظی، موردی را به همین عنوان‌ها بشنود، ولی نتواند تحلیل و توجیه کند، دچار سرگردانی و حیرت ذهنی و بی‌اعتمادی به معارف و معاریف می‌گردد و حق دارد لب به اعتراض بگشاید.

از این رو، شایسته است گویندگان پیشاپیش، این موارد را بررسی و به صورت درست، تحلیل و تحقیق کنند تا شبیه تنافی و تباین و به هم ریختگی معارف دین، از بین برود و شیرازه عقاید مؤمنان محفوظ بماند.

بررسی و دقت در احادیث نشان می‌دهد که معمولاً افعال التفضیل‌ها نسبی هستند، نه نفسی و به تناسب محدوده اعمال، عامل، زمان، مکان، شرایط و مانند آن تفاوت می‌یابند. برای نمونه، زیارت امام حسین(ع)، بهترین اعمال است، ولی شیعه‌ای از امام جواد(ع) استفسار می‌کند که من توانایی زیارت دارم، آیا به زیارت حضرت رضا(ع) بروم یا زیارت

- امام هادی: «إِنَّمَا اتَّخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا لِكَثْرَةِ صَلَوَاتِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ؛ همانا خداوند، ابراهیم را خلیل خود گرفت از آن رو که صلواتش بر محمد و اهل بیتش (صلوات الله علیه و آله) زیاد بود».

- رسول خدا(ص): «مَا اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا إِلَّا لِإِطْعَامِهِ الطَّعَامَ، وَ صَلَاتِهِ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسِ نِيَامًا؛ خدا ابراهیم را خلیل خود نگرفت مگر به جهت طعام بخشی و نماز شبش آن گاه که مردم در خوابند».

بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۴، ح ۵؛ ص ۱۳، ح ۴۰؛ ص ۵، ح ۱۲.

امام حسین(ع)؟ امام جواد می‌فرماید: امام حسین(ع) زائر دارد. به زیارت پدرم امام رضا(ع) بروید.^۱

ع. حل تنافی

دو شیوه برای حل تنافی احادیث، رایج است که عبارتند از:

الف) شیوه سندی

یعنی احادیثی که دارای سندی معتبر، قوی و متصل باشند، اولویت و مقبولیت بیشتری می‌یابند و به احادیثی که سندی قوی و متصل ندارد، اعتنا نمی‌شود.

ب) شیوه‌های متنی و معنایی

این شیوه‌ها به جمع دلالتی، معروف اند و چند دسته‌اند:

یک - حمل بر حالت‌های گوناگون

برخی روایات، امام جماعت را ضامن برخی لغزش‌های نمازگزاران و روایتی، او را غیرضامن دانسته است.^۲ شیخ صدوق می‌فرماید: «در آن اذکار و دعاهایی که مأوم سهواً ترک کرده است ضامن هست و در ترک عمدی، ضامن نیست. پس روایات با همدیگر منافاتی ندارد. روایتی که امام را «ضامن» نمی‌داند، به معنای ضمانت نکردن تکمیل نماز

۱. رک: کامل الزیارات، فصل زیارت حضرت رضا، باب ۱۰۱، ح ۱۱، با تحلیل

علامه مجلسی و علامه امینی در پاورقی؛ ح ۷، همین باب.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۱۲۰۵ - ۱۲۰۸.

است. چه بسا وضویش باطل شود یا دریابد که وضو ندارد و نمازگزاران، نمازشان را تا آخر می‌خوانند. این حکم به دلیل روایتی است که همین مضمون را به صراحت بیان می‌دارد. به طور کلی، شأن حجّت‌های خدا، جلیل‌تر است از آن که سخنانی متعارض بیان کنند.^۱

مثال دوم، درباره افطار کننده روزه ماه رمضان است که برخی روایات، یک کفاره و روایتی، سه کفاره را مقرر می‌دارد. شیخ صدوق (ره) می‌گوید: «روایاتی که سه کفاره را واجب دانسته، درباره افطار با حرام است».^۲

در زمینه کتمان شهادت نیز در روایتی، شخص مخیر شده است که شهادت بدهد یا ندهد. روایت دیگری دلالت دارد: «نباید شهادت را کتمان کند». صدوق، مورد اختیار را جایی می‌داند که برای اثبات حق مظلوم، نیازی به شهادت این شاهدان نیست. پس در زمانی که حق مظلومی از بین می‌رود، نباید کتمان کند.^۳

۱. همان، صص ۴۰۶، ۴۰۷، ح ۱۲۰۸، باب صلاه الجماعه، درباره شیوه‌های جمع نک: پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، ش ۱، صص ۹۳ - ۱۰۵.
 ۲. الفقیه، ج ۲، ص ۷۵، ح ۱۰، باب ۳۳، ما یجب علی من أفطر...
 ۳. همان، ج ۳، صص ۳۴ و ۳۵، باب ۲۱، «إقامة الشهادة بالعلم دون الإشهاد»؛ شیخ صدوق در مواردی دیگر نیز جمع دلالتی کرده‌اند، مثل: الفقیه، ج ۲، صص ۷۴، ۷۶ و ۲۹۱؛ ج ۳، ص ۴۴.

از پیامبر خدا(ص) درباره حق الله و حق الناس، دو حدیث متعارض نقل شده است:

خَيْرُ الشُّهُودِ مَنْ أَدَّى شَهَادَتَهُ قَبْلَ أَنْ يُسْأَلَهَا^۱ بهترین شاهدان مردی است که پیش از درخواست، شهادت دهد.

در روایتی دیگر آمده است:

يَقْضُوا الْكِذْبُ حَتَّى يَشْهَدَ الرَّجُلُ قَبْلَ أَنْ يُسْتَشْهَدَ^۲ آن‌قدر دروغ فراوان شود که پیش از آن که از مردی درخواست شود، شهادت دهد.

در این دو حدیث می‌توان گفت اولی درباره حق الله تعالی و دومی در مورد حق بندگان است.^۳

دو - حمل بعضی روایات بر تقیّه

ضروری است مبلّغ با روایت‌هایی که در فضای خفقان و از روی تقیّه صادر شده است، آشنا شود. یکی از نتایج این آشنایی، حل تعارض و تشخیص حکم واقعی است. شیخ صدوق، از این راه حل بهره می‌گیرد و درباره مدت خون نفاس و ترک عبادات می‌نویسد: «ده روز است مگر زودتر پاک شود و اگر خون استمرار داشت، تا هجده روز امکان تداوم دارد ... و روایاتی که حداکثر نفاس را چهل روز و

۱. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۷۹۲، ح ۲۳۶۴.

۲. همان، ج ۲، ص ۷۹۱، ح ۲۳۶۳؛ الجامع الصحیح، ج ۴، صص ۴۶۵ و ۴۶۹.

۳. رسائل فی درایه الحدیث، ج ۱، ص ۴۷۱.

بیشتر معین می‌کند، از روی تقیه صادر شده است و جز اهل خلاف، به آن فتوا نمی‌دهد.^۱

سه - حمل بر انکار، نه اخبار

گاهی ظاهر روایت، اخبار، ولی در واقع، انکار است. دلالت بر انکار نزد مخاطبان معصوم روشن است؛ زیرا قراین و حالت‌های ظاهری را می‌دیدند. با این حال، برای ما که از بیشتر قراین بی‌خبریم، قدری دشوار است. شیخ صدوق نمونه‌هایی را نشان داده است، مانند روایت امام صادق (ع) که دلالت دارد پیامبر خدا (ص) هر عضوی را یک بار می‌شسته.^۲ آن گاه شیخ صدوق، روایت مرسلی را از امام صادق (ع) نقل کرده است که دلالت دارد: «خدا وضو را یک بار واجب ساخته است، ولی رسول خدا (ص) برای مردم دو بار مقرر فرموده است».

شیخ صدوق می‌فرماید: «وَهَذَا عَلَى جَهَةِ الْإِنْكَارِ، لَا عَلَى جَهَةِ الْإِخْبَارِ...»^۳؛ این انکار است، نه اخبار از امر واقعی. گویی آن حضرت بفرماید: چگونه امکان دارد خدا حدی را معین کند و رسولش از آن حد تجاوز کند، با آن که خدا فرموده است: «وَمَنْ يُتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ؛ و هر که

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، صص ۱۰۱ و ۱۰۲، فصل غسل الحيض و النفاس.

ح ۲۱۰ و ۲۱۱.

۲. همان، ص ۳۸، ح ۷۶.

۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۸، ح ۷۷.

از احکام خداوند پا فراتر نهد، بی‌گمان، به خویش ستم کرده است».^۱

چهار - حمل بر اضطرار

فقیهان، برخی روایات را که با احکام اولیّه تنافی دارد، بر مصداق‌های حدیث رفع حمل می‌کنند؛ زیرا موضوع ضرورت و اضطرار در قرآن کریم نیز بیان شده است.^۲ در حدیث نبوی آمده است:

رُفِعَ عَنْ أُمَّتِي تِسْعَةُ: الْخَطَا وَالنِّسْيَانُ، وَ مَا أُكْرِهُوا عَلَيْهِ،
و مَا لَا يُطِيقُونَ، وَ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَ مَا اضْطُرُّوا عَلَيْهِ وَ
الْحَسَدُ وَ الطَّيْرَةُ وَ التَّفَكُّرُ فِي الْوَسْوَسةِ فِي الْخَلْقِ مَا لَمْ
يَنْطِقْ بِشَفَةِ.^۳

پنج - حمل بر استحباب یا کراهت

گاهی تعبیر روایت - در ظاهر - الزام آور و واجب می‌نماید، ولی با توجه به روایات معارض می‌توان فهمید واجب نیست و باید بر رجحان و استحباب حمل شود. روایاتی دلالت دارد بر این که لازم نیست «بیهوش» نماز و

۱. طلاق، گفتنی است کلینی در کافی، ج ۳، ص ۲۷ به گونه‌ای دیگر بین این احادیث جمع کرده و جمعی از بزرگان نیز یک بار را بر حداقل واجب و دوبار را بر استحباب، حمل کرده‌اند. نک: حاشیه فقیه، ج ۱، ص ۳۸.

۲. مثل: بقره، ۱۷۳؛ حج، ۷۸.

۳. شیخ صدوق، التوحید، ص ۳۵۳، ح ۲۴؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۹، ح ۱۳۲.

روزه‌اش را قضا کند و اخباری می‌گوید: لازم است. علما، بخش دوم را بر استحباب حمل کرده‌اند.^۱

حمل بر کراهت نیز مثل نهی از وصی قرار دادن زن، سفر در ماه مبارک رمضان و کندن موی سفید است.^۲

شش - حمل بر رخصت

برخی روایات به ظاهر تعارض دارند، ولی در واقع، به انسان اختیار و رخصت می‌دهد که به هر یک از آن‌ها عمل کند، مثل میقات کسی که قصد عمره دارد و همچنین جای پایان دادن به «لبیک».^۳ شیخ صدوق می‌نویسد:

همه این روایات صحیح و هماهنگ هستند، عمره گزار در هر یک از این میقات‌ها که بخواهد، می‌تواند مُحرم شود و در هر جا خواست، تلبیه را قطع کند.^۴

مثال دیگر، مبحث شروع به زیارت از مدینه یا مکه است. برخی، ابتدا به مکه و برخی مدینه را دستور یا ترجیح داده‌اند. شیخ صدوق، این روایات را برای کسانی می‌داند که اختیار و توان هر دو را دارند، ولی کسی که او را فقط از راه مکه یا مدینه می‌برند، ناگزیر، باید به همان ابتدا کند.^۵

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۶۳، ذیل ح ۱۰۴۲؛ پژوهش نامه قرآن و حدیث، ش ۱، ص ۱۰۴.

۲. پژوهش نامه قرآن و حدیث، ش ۱، ص ۱۰۴.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، صص ۴۵۴ - ۴۵۶، باب مواقیت العمرة ...، ح ۲۹۵۲ - ۲۹۵۸.

۴. همان، ص ۴۵۶.

۵. همان، ج ۲، صص ۵۵۸ - ۵۵۹، باب الإبتداء بمکه و الختم بالمدينة.

در این میان، نباید از راه حل‌هایی که در اصول الفقه به تفصیل خوانده ایم، مثل حمل مجمل بر مفصل، عام بر خاص و مطلق بر مقید، غافل شد؛ چون بسیاری از تنافی‌های ظاهری از این طریق از بین می‌رود.

هفت - توجه به شأن صدور

رسول‌الله(ص) فرمود:

خَيْرُ الصَّدَقَةِ مَا كَانَ عَنْ ظَهْرِ غِنًى، وَالْيَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ السُّفْلَى، وَابْدَأْ بِمَنْ تَعُولُ؛ بهترین صدقه آن است که با پشتوانه بی‌نیازی باشد و دست عطاکننده بهتر از دست‌گیرنده است و از نان‌خورهای خویش آغاز کن.^۱

از پیامبر اکرم(ص) پرسیدند:

أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: «إِيْمَانٌ لَا شَكَّ فِيهِ، وَجِهَادٌ لَا غُلُولَ فِيهِ، وَحَجَّةٌ مَبْرُورَةٌ» قِيلَ: أَيُّ الصَّلَاةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: «طَوَّلُ الْقِيَامِ» قِيلَ: فَأَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ؟ قَالَ: «جُهْدٌ مِنْ مَّقْلٍ»^۲.

از آن حضرت می‌پرسند: برترین صدقه کدام است؟ ایشان فرمود: تلاشی که از فرد فقیر صورت پذیرد. در این حدیث، معیار بهترین صدقه، دست پُر بودن و رسیدگی به عیال بود.

۱. بیهقی، السنن الکبری، ج ۶، ص ۱۳۲، کتاب الزکاه، باب خیر الصدقة، ح ۷۸۶۲؛ ح ۷۸۶۱ و ۷۸۶۳.

۲. همان، ص ۱۳۳، باب ماورد فی جهد المقل، ح ۷۸۶۵ و ۷۸۶۴.

باید دانست رجوع به شأن صدور، مشکل را آسان می‌کند. جابر بن عبدالله می‌گوید: هنگامی که در محضر رسول خدا(ص) بودیم، مردی تکه طلائی به اندازه تخم مرغ - که از جنگی یا معدنی به دست آورده بود - خدمت حضرت رسول(ص) - از سمت راست - تقدیم و عرض کرد: این را به عنوان صدقه از من بپذیر. سوگند به خدا، دارایی من تنها همین است. پیامبر از او اعراض فرمود. سپس همان را از طرف چپ حضرت عطا کرد و همان جمله را تکرار کرد. سومین بار از رو به رو آمد و همان صحنه تکرار شد. حضرت فرمود: «هاتها» آن را بگیر و چنان به سویش پرتاب کرد که اگر به بدن او می‌خورد، دردش می‌آورد یا مجروحش می‌کرد. سپس فرمود:

يَعْمِدُ أَحَدُكُمْ فَيَأْتِي بِمَالِهِ فَيَتَصَدَّقُ بِهِ ثُمَّ يَقْعُدُ بَعْدَ ذَلِكَ يَتَكَفَّفُ النَّاسُ، إِنَّمَا الصَّدَقَةُ عَنْ ظَهْرِ غِنًى، خُذْ الَّذِي لَكَ لَا حَاجَةَ لَنَا بِهِ؛ برخی از شما یک باره تصمیم می‌گیرد و تمام دارایی اش را می‌آورد و صدقه می‌دهد. آن گاه می‌نشیند و دست‌گذاری می‌گشاید. صدقه تنها، پس از بی‌نیازی است. مالت را بردار، ما به آن نیاز نداریم. آن مرد مالش را برداشت و برگشت.^۱

روایت دیگری شبیه این روایت است که پیامبر از مردم برای فقیری دو جامه صدقه می‌گیرد و به او می‌دهد و هنگامی

۱. السنن الکبری، ج ۶، ص ۱۳۵، کتاب الزکاة، ح ۷۸۶۹.

که حضرت صدقه مطالبه می‌کند تا مقداری بیشتر به او بدهد، همو یکی از دو جامه را به عنوان صدقه، تقدیم می‌کند. حضرت ناراحت می‌شود و او را نهی می‌فرماید و پیراهن را پس می‌دهد.^۱

در شأن صدور، به اوضاع و احوال فاعل نیز باید توجه کرد. برای مثال، از امام علی روایت است: سه نفر به محضر پیامبر آمدند. یکی از آنان گفت: صد اوقیه دارم که ده اوقیه‌اش را صدقه دادم. دیگری عرضه داشت: صد دینار طلا دارم و ده دینارش را صدقه دادم. سومی گفت: ده دینار دارم و یک دینارش را صدقه دادم. پیامبر فرمود:

تَصَدَّقْ كُلُّ رَجُلٍ مِنْكُمْ بِعَشْرِ مَالِهِ، كَلَّكُمْ فِي الْأَجْرِ
سواء؛^۲ هر مردی از شما یک دهم مالش را داده و
اجرتان برابر است.

نیز از پیامبر اعظم (ص) روایت است:

«سَبَقَ دِرْهَمُ مِائَةِ أَلْفٍ» یک درهم از صد هزار پیش
افتاد. پرسیدند: چگونه؟ حضرت فرمود: «رَجُلٌ كَانَ لَهُ
دِرْهَمَانِ فَأَخَذَ أَحَدَهُمَا فَتَصَدَّقَ بِهِ، وَ آخَرَ لَهُ مَالٌ كَثِيرٌ
فَأَخَذَ مِنْ عَرَضِهَا مِائَةَ أَلْفٍ؛ شخصی دو درهم داشت پس
یکی را برداشت و صدقه داد و دیگری دارای ثروتی

۱. همان، ح ۷۸۷.

۲. همان، ح ۷۸۷۲.

فراوان بود، از متاعش، صد هزار برداشت و صدقه داد».^۱

هشت - مراجعه به جوامع روایی و شروح

معمولاً در کتاب‌های شرح روایات و جوامع روایی، قرائن و شواهدی بر جمع بین روایات وجود دارد.

برای مثال، در برخی روایات آمده است: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ»^۲ و در روایتی دیگر می‌خوانیم: «لَا حَيَاءَ فِي الدِّينِ»^۳. این دو روایت در بدو نظر، متنافی هستند. اگر به منابع مهم رجوع شود، هم به شرح موضوع و هم به روایاتی که شاهد جمع است، برمی‌خوریم، مثل این روایت که رسول الله (ص) فرمود:

الْحَيَاءُ حَيَاءَانِ: حَيَاءُ عَقْلٍ وَ حَيَاءُ حَقٍّ، فَحَيَاءُ الْعَقْلِ هُوَ الْعِلْمُ، وَ حَيَاءُ الْحَقِّ هُوَ الْجَهْلُ.^۴

حیا دو گونه است. حیای عاقلانه همان است که به فارسی، عِفَّت و پاکدامنی و حیا از معصیت خدا شمرده می‌شود. عقل صحیح و شرع به خوبی آن حکم می‌کنند. در مقابل، حیای جاهلانه، خجالت و کم‌رویی است که شرع و عقل، آن را زشت می‌شمارند. نظیر حیا از پرسش مسائل علمی و شرعی و خجالت از دفاع از حقوق خویش یا خجالت

۱. همان، ج ۷۸۷۱.

۲. سفینه البحار، ج ۱، ص ۸۲۶، واژه «حیاء».

۳. تفسیر القرآن الکریم، ج ۵، ص ۵۳؛ المستدرک، ج ۱، ص ۴۹۷، ح ۳۳.

۴. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۳۱؛ سفینه البحار، ج ۱، ص ۸۲۶، واژه «حیاء».

از برخی عبادت‌ها یا انجام وظایف شرعی در میان مردم جاهل.^۱

از امام علی روایت است: «شَرُّ الْقَوْلِ مَا نَقَضَ بَعْضُهُ بَعْضًا؛ بدترین و سست‌ترین گفتار آن است که بخشی از آن، قسمت دیگرش را نقض کند».^۲

بررسی تمام احادیث یک باب کمک می‌کند که معنای هر روایتی به درستی درک و تنافی، رفع شود.

امام علی (ع) فرموده است: «اَضْرِبُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بِبَعْضٍ يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوَابُ؛ بعضی از آرا را با برخی دیگر، مقایسه و درگیر کنید تا حرف حق از آن درآید».^۳

نیز فرمود: «مَنْ اسْتَقْبَلَ وُجُوهَ الْأَرَءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا؛ هر کس از آرای گوناگون استقبال کند، جایگاه‌های خطا و نقاط ضعف آن را خواهد شناخت».^۴

نمونه دیگر، بازی و سرگرمی است که درباره آن‌ها به دو گروه روایت برمی‌خوریم که بیش‌تر نکوهش می‌کنند. برخی از احادیث نیز سرگرمی‌های مفید را مشخص و به طور نمونه یادآور می‌شوند. برخی احادیث هم به آن سفارش می‌کنند. دسته اخیر، در منابع اهل سنت دیده می‌شود.

۱. نک: سفینه البحار، ج ۱، ص ۸۲۵؛ بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۳۱.

۲. غرر الحکم، ح ۴۱۲۹.

۳. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۸۱.

۴. نهج البلاغه، حکمت ۱۷۳.

در تجویز بازی و سرگرمی از پیامبر اکرم (ص) نقل است: «اللَّهُوَا الْعَبْوَا؛ فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ يُرَى فِي دِينِكُمْ غِلْظَةٌ؛ سرگرمی و بازی داشته باشید؛ زیرا من نمی‌خواهم در دین شما شدت و غلظت بینم»^۱ یا فرمود: «اللَّهُوَا الْعَبْوَا فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ تَكُونُوا جَبَّارِينَ؛ تفریح کنید و بازی کنید؛ زیرا دوست ندارم خشین و جَبَّار باشید»^۲.

احادیث مربوط به منع بازی و سرگرمی نیز فراوان است. امام علی فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ، اتَّقُوا اللَّهَ؛ فَمَا خُلِقَ امْرُؤٌ عَبَثًا فَيُلْهَوُ، مَا تَرَكَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ أَمْرًا سُدًى فَيَلْغُو؛ ای مردم، از کاری که سبب غضب و عذاب خدا شود، خویش را نگه دارید که خدا کسی را بیهوده نیافریده است تا به لهو پردازد. خداوند، هیچ فردی را بی‌هدف، رها نکرده است تا به لغو بگراید»^۳ نیز می‌فرماید: «اللَّهُوُ قُوْتَ الْحِمَاقَةِ؛ اللَّهُوُ مِنْ ثِمَارِ الْجَهْلِ»^۴.

باز از آن حضرت روایت شده است: «اللَّهُوُ يُسْخِطُ الرَّحْمَنَ، وَ يُرْضِي الشَّيْطَانَ، وَ يُنْسِي الْقُرْآنَ؛ لهو خدای مهربان را به خشم می‌آورد و شیطان را خشنود می‌سازد و قرآن را از یاد می‌برد»^۵.

۱. کنز العمال، ج ۴۰۶۱۶.

۲. نهج الفصاحه، ص ۱۰۵، ح ۵۳۰.

۳. غرر الحکم، ص ۲۴۳۵، ح ۹۶۰۶.

۴. همان، ج ۹۳۷، ۲۶۹.

۵. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۹، ح ۶۶.

امام صادق (ع) درباره کسی که برای سرگرمی به صید می‌پردازد:

و إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَفِي شُغْلٍ عَنْ ذَلِكَ، شَغْلُهُ طَلَبُ الْآخِرَةِ عَنْ
الْمَلَاهِي ... و إِنَّ الْمُؤْمِنَ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ لَفِي شُغْلٍ، مَا
لَهُ وَ لِلْمَلَاهِي؟ فَإِنَّ الْمَلَاهِي تَوْرَثُ قَسَاوَةَ الْقَلْبِ وَ
تَوْرَثُ النِّفَاقَ.^۱ به راستی که مؤمن فرصت بازی ندارد.
آخرت طلبی، از بازی اش بازداشته... و واقعاً که یک
مؤمن وقتی برای هیچ یک از این سرگرمی‌ها را ندارد،
او را با بازی‌ها چه کار؟ این ملاحی، سنگ دلی و نفاق
بر جای می‌گذارد.

از امام رضا نقل است: «بچه‌ها به حضرت یحیی گفتند:
بیا برویم بازی. فرمود: «مَا لِللَّعِبِ خُلِقْنَا، فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ: «وَأَتَيْنَاهُ
الْحُكْمَ صَبِيًّا»؛ ما برای بازی آفریده نشده‌ایم. آن گاه خداوند
در شأن او چنین نازل کرد: در کودکی به او حکمت دادیم.»^۲
نظیر این نکته درباره امام موسی بن جعفر و امام جواد نیز
وارد شده است.^۳

آیت الله حسن زاده آملی نیز سفارش می‌فرمود: «هرگاه از
مطالعه خسته شدید، به تمرین خط بپردازید. نباید زنگ تفریح
شما، دخانیات و کشیدن قلیان باشد.»

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۲۱۶، ح ۱۵۱۶۳.

۲. مجمع البیان، ج ۶، ص ۷۸۱، ذیل آیه.

۳. بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۹، ح ۲۷؛ ج ۱۴، ص ۱۸۵، باب ۲۵.

در چند روایت دیگر، مصداق‌های عقلایی برای لهُو بیان شده است که می‌تواند شاهد جمع باشد.

امام باقر (ع) فرموده است: «لَهُوُ الْمُؤْمِنِ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: التَّمَتُّعُ بِالنِّسَاءِ وَ مَفَاكَهَةُ الْإِخْوَانِ وَ الصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ؛ سرگرمی مؤمن در سه چیز است: کام جویی با همسران، شیرین سخنی با برادران و نماز شب».^۱

پیامبر اکرم (ص) نیز فرمود:

كُلُّ شَيْءٍ لَيْسَ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ لَهُوٌ وَ لَعِبٌ، إِلَّا أَنْ يَكُونَ أَرْبَعَةً: مَلَاعِبَةُ الرَّجُلِ امْرَأَتَهُ، وَ تَأْدِيبُ الرَّجُلِ فَرَسَهُ، وَ مَشْيُ الرَّجُلِ بَيْنَ الْغَرَضَيْنِ وَ تَعْلِيمُ الرَّجُلِ السَّبَّاحَةَ.^۲ هر چه در دایره یاد خدا نگنجد، لهُو و لعب است، جز یکی از این چهار بخش: بازی و عشق ورزی با همسران، تربیت اسب، تیراندازی و شنا آموزی.

به فرض صحت سند، این احادیث حمل می‌شود بر این معنا که مثل جَبَّاران و اهل خشونت، میرغضب و ترش رو نباشید یا تشویق به بازی بر زنگ تفريح و استراحت حمل می‌شود که در روان شناسی به آن «اره تیز کردن» می‌گویند. نشاط و نیروی کسب شده از آن نیز سبب سرگرمی شاد، مؤید و مقوی تلاش بیشتر خواهد شد.

۱. همان، ج ۷۶، ص ۵۹، ح ۵.

۲. میزان الحکمه، عنوان ۴۷۸، ح ۱۸۳۷۰.

بخشی از احادیث نیز جایگاه والای معصومین(ع) و مؤمنان را بیان می‌کند که آنان اهل لهو و لعب نبودند یا بسان آن چه در «مناجات خمسه عشر» آمده است، برای آنان، لذتی بالاتر از لذت انس با خدای تعالی نیست و مؤمنان راستین نیز راه آنان را می‌پویند.^۱ بدیهی است در نکوهش موسیقی، غنا و محرّمات شرعی، بحثی نیست و تکلیف روشن است.^۲

۱. نک: میزان الحکمه، واژه لهو، ح ۱۸۳۶۰ - ۱۸۳۶۶.

۲. نک: رضا مختاری و، غنا موسیقی؛ بوستان کتاب قم، هر ۳ جلد.

فصل پنجم: معرفی و منابع

الکتاب بساتین العلماء.

در این فصل، در نه باب به ترتیب بوستان‌های زیر، مآخذ و مصادر را می‌آوریم:

بوستان اول - سیری در کتاب‌های احادیث

جمع و تألیف و تدوین حدیث، دوره‌ها و فراز و نشیب‌های بسیاری دارد. در عصر حضور معصومین (ع)، علاوه بر حفظ حدیث، هر کدام از یاران امامان، مجموعه‌هایی به نام اصل، کتاب و نوادر^۱ برای خود داشته‌اند.^۲

بخشی از این مجموعه‌های روایی به نام «اصول اربعمائه» مشهور است. همین مجموعه‌ها زمینه‌ساز تألیف و تهذیب کتاب‌های مشایخی چون حسن بن سعید، حسین بن سعید / هوازی، علی بن مهزیار / هوازی^۳ و تألیف کتب اربعه گشتند. قرن ششم تا نهم، دوران رکود نسبی حدیث‌نگاری و قرن دهم و یازدهم، دوران شکوفایی تدوین و شرح و تبویب حدیث است.

۱. برای توضیح بیشتر نک: علی اکبر غفاری صفت و محمدحسن صانعی پور، دراسات فی علم الدرایه، فصل ۶ و ملحقات، ص ۲۵۰ به بعد؛ علی نصیری، درس‌نامه علم حدیث، فصل سوم؛ سید رضا مؤدب، تاریخ حدیث، بخش دوم، صص ۸۵-۳۳؛ رضا دهقانی، سیری در علوم حدیث، صص ۳۱-۴۰.

۲. در مقیاس الهدایه، نام جمعی از نویسندگان بزرگان شیعه و سنی آمده است. نک: دراسات فی علم الدرایه، صص ۲۵۰-۲۶۷.

۳. برای آگاهی از این گروه نک: فهرست از شیخ طوسی؛ فهرست أسماء المصنفین از نجاشی؛ جلد دوم الذریعه از شیخ آقا بزرگ تهرانی.

۱. آثار محمدون سه گانه اول و آخر

این بزرگان از بزرگ‌ترین دانشمندان اسلام و آگاه به فقه و اصول و کلام هستند که آثار روایی آنان پربرکت و ماندگار گشته است. این بزرگان به ترتیب تاریخ با حذف عنوان‌ها عبارتند از:

محمد بن یعقوب، أبو جعفر کلینی (م ۳۲۸ هـ.ق) صاحب الکافی.

محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه، أبو جعفر قمی معروف به صدوق (م ۳۸۱ هـ.ق) نویسنده الفقیه.

محمد بن حسن طوسی، أبو جعفر معروف به شیخ الطائفه (م ۴۶۰ هـ.ق) مؤلف التهذیب و الاستبصار.

قرن چهارم، دوران تکامل حدیث نگاری و تدوین مجموعه‌های متعدد روایی است و مهم‌ترین آثار محمدون اول در این دوران عبارت است از:

الف) الکافی

دو جلد الکافی به «اصول کافی»، معروف است که در زمینه عقاید و تاریخ معصومین (ع) و اخلاق به نگارش درآمده است. پنج جلد آن نیز به «فروع»، مشهور بوده و در زمینه فقه و به سبک کتاب‌های فقهی است. جلد هشتم

«روضه کافی» نیز در خطبه‌ها، نامه‌ها، حکمت‌ها و مواعظ است و به نظر مشهور، از مرحوم کلینی است.^۱

این کتاب دارای چاپ‌های گوناگونی است. چاپ‌هایی که با اعراب‌گذاری آیت الله حسن‌زاده آملی منتشر شده‌اند، بهترند. به زودی، بهترین تصحیح‌ها، از طرف کنگره مؤلف، منتشر می‌شود.

مهم‌ترین شرح‌ها بر الکافی

۱. مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول: شرح کاملی از محمد باقر مجلسی در ۲۶ مجلد با دو جلد فهرست، به هزینه دارالکتب الاسلامیه در سال ۱۳۶۹ منتشر شده است.
۲. شرح الاصول الکافی: از صدرالمألهین شیرازی، چاپ مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی است. بخشی از این اثر به قلم محمد خواجه‌ای به فارسی، ترجمه و از طرف پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی منتشر شده است.
۳. الکافی، الأصول و الروضه: با شرح جامع مولا محمد صالح مازندرانی، تعلیقات استاد میرزا ابوالحسن شعرانی و تصحیح و تخریج علی اکبر غفاری، به وسیله مکتبه الاسلامیه، در قالب ۱۲ جلد، در سال ۱۳۴۲ در تهران منتشر شده. همین کتاب با ضبط و تصحیح سید علی عاشور، به همت داراحیاء التراث العربی، در ۱۲ جلد در بیروت، منتشر شده است.

۱. برای آگاهی بیشتر درباره روضه، نک: الکافی، صص ۴۰۸ - ۴۱۵؛ الذریعه، ج ۱۱، ص ۳۰۲؛ مقدمه معجم المفهرس لألفاظ بحارالانوار، آشنایی با تاریخ حدیث شیعه، ص ۱۵۷.

دو - ترجمه‌های فارسی اصول کافی

۱. ترجمه و شرح آیت الله محمد باقر کمره ای که انتشارات اسلامیة آن را در ۴ جلد و انتشارات اسوه نیز در ۷ جلد، منتشر کرده‌اند.
 ۲. ترجمه و شرح حاج سید جواد مصطفوی در ۴ جلد از سوی ناشران متعدد منتشر شده است.
 ۳. ترجمه و شرح اصول و روضه کافی از حاج سید هاشم رسولی محلاتی را انتشارات علمیه اسلامیة در ۵ جلد منتشر کرده است.
 ۴. محمد باقر بهبودی، اصول و فروع کافی را گزیده و آن را ترجمه کرده و شرکت انتشارات علمی و فرهنگی منتشر کرده است.
 ۵. برگزیده‌ای از اصول کافی، به قلم سید جواد رضوی در یک جلد از طرف انتشارات امام حسن مجتبی (ع) منتشر شده است.
 ۶. پرتویی درخشان از اصول کافی، که شرح گسترده بخش‌هایی از احادیث را در بر دارد، در ۶ جلد به قلم و هزینه حاج سید محمد حسینی همدانی منتشر شده است.
- درباره کافی کتاب‌ها و مقالات فراوانی منتشر شده است. مثل «دفاع عن الکافی» (دو جلد) و الشیخ الکلینی البغدادی و کتاب الکافی که هر دو از ثامر هاشم حبیب العمیدی است و مرکز الغدیر الدراسات الاسلامیه آن‌ها را منتشر کرده است.

ب) الفقيه

من لا يحضره الفقيه شامل ۵۹۹۸ روایت فقهی در ۶۶۶ باب است که بارها در ۴ جلد منتشر شده است.

شرح‌ها و ترجمه‌ها

۱. لوامع صاحبقرانی یا لوامع قدسیه: مشهور به شرح الفقیه، با شرح فارسی از علامه محمدتقی مجلسی، در ۸ جلد شامل سه چهارم کتاب و تا پایان حج و زیارت به وسیله اسماعیلیان «دار التفسیر» چاپ شده است.
۲. روضه المتقین فی شرح من لا يحضره الفقيه: محمد تقی مجلسی، با زبان عربی، در ۱۴ جلد به همت بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمد حسین کوشانپور، با اشراف سید حسین موسوی کرمانی و شیخ علی پناه اشتهااردی منتشر شده است.
۳. ترجمه و متن کتاب من لا يحضره الفقيه در ۶ جلد، به دست محمد جواد غفاری و به وسیله نشر صدوق در سال ۱۳۶۷ منتشر شده است.

ج) التهذیب

تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه: دارای ۱۳۹۸۸ روایت در ۳۹۳ باب و ۲۳ کتاب، در ۱۰ جلد شرحی روایی بر کتاب مقنعه استادش شیخ مفید است. همان‌گونه که «وسائل الشیعه»، شرح روایی بر کتاب «شرائع الإسلام» محقق حلی است.

شرح و ترجمه

آقای حسن موسوی خراسان، در مقدمه کتاب خود (ج ۱، ص ۴۸)، ۲۱ شرح را نام می‌برد که ملاذ الاختیار فی

فهم تهذیب الأخبار، از علامه محمد باقر مجلسی را مکتبه
آیت‌الله نجفی مرعشی در ۱۶ جلد منتشر کرده است.

(د) الاستبصار

الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، پس از تهذیب در
۹۲۵ باب و ۵۵۱۱ حدیث سامان یافته است. شیخ درباره
انگیزه خود چنین می‌نویسد:

من در هر باب تحت فتوای خود، روایات مربوطه را و
سپس روایات مخالف آن را می‌آورم و راه جمع میان
آنها را بیان می‌کنم و تا ممکن باشد از کنار گذاشتن
روایت پرهیز می‌کنم و در آغاز، به بخشی از قرآینی
که می‌توان به کمک آنها برخی از روایات را بر برخی
دیگر ترجیح داد، اشاره می‌کنم.^۱

شرح

استقصاء الاعتبار فی شرح الاستبصار، تألیف شیخ محمد
بن حسن فرزند شهید ثانی (م ۱۰۳۰ هـ.ق)، نشر مؤسسه آل
البیت (ع) لاحیاء التراث است. در مقدمه این اثر (ج ۱، صص
۱۰ - ۱۲)، ۲۲ شرح بر استبصار معرفی شده است.

۲. آثار محمدون سه گانه متأخر

محمدون سه گانه متأخر عبارتند از:

۱. نک: الاستبصار، ج ۱، صص ۴۳ و ۴۴؛ درسمانه علم حدیث، ص ۱۶۴.

۱. محمد محسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ هـ.ق) مؤلف الوافی.

۲. محمد بن حسن، شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۴ هـ.ق) صاحب وسائل الشیعه.

۳. محمد باقر بن محمدتقی مجلسی (م ۱۱۱۰ هـ.ق) مؤلف بحار الأنوار.^۱

در سده یازدهم و دوازدهم، با ظهور این محمّدون، حدیث نگاری جان تازه‌ای جدید گرفت و جوامعی بسیار کارآمد و ارزش‌مند پدید آمد که اکنون آنها را برمی‌شماریم:

الف) الوافی فی جمع الأحادیث الکتب الأربعة القديمة

ملا محسن فیض کاشانی، نویسنده این کتاب، ۱۴۴ کتاب دیگر نیز نوشته است.^۲ وافی، جامع‌ترین کتابی است که تمام روایات کتب اربعه را با حذف مکررات، ذکر مشترکات، جمع احادیث منفرد و با چینش جدید و شرح و تبیین مشکلات روایات آورده است. دارای حدود ۵۰۰۰۰ روایت^۳ و شامل یک مقدمه، ۱۴ کتاب، یک خاتمه و ۲۷۳ باب است. مؤلف، آن را تلخیص و به نام «الشافی المنتخب من الکافی» در دو جلد منتشر کرده است. وافی در سال ۱۳۷۵ به همت مکتبه الامام أميرالمؤمنین علی در اصفهان در ۲۶ جلد، منتشر شده است.

۱. تلخیص مقیاس الهدایه، ص ۲۶۸.

۲. نک: مقدمه تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۵؛ الکنی و الألقاب، ج ۳، صص ۳۹ - ۴۱.

۳. الذریعه، ج ۲۵، ص ۱۳.

ب) تفصیل وسائل الشیعه^۱ إلى تحصیل مسائل الشریعه

شرح روایی شرایع و بوده ۳۵۸۵۰ روایت دارد که در گذشته در ۲۰ جلد و به تازگی در ۳۰ جلد منتشر شده است.

ج) بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع)

گسترده‌ترین کتاب روایی اسلام و مورد نیاز هر اسلام شناس است که با استفاده از بیش از ۶۰۰ منبع روایی شیعی و سنی فراهم شده و شرح و تبیین روایات و آیات صدر هر فصل، کمک شایانی به پژوهشگران است.^۱

بحارالانوار چاپ‌های زیادی دارد. فهرست‌های بحارالانوار، در چاپ ایران و برخی چاپ‌های بیروت، جلد ۵۴، ۵۵ و ۵۶ را تشکیل می‌دهد، ولی در بعضی چاپ‌های بیروت، این ۳ جلد فهرست، در آخر قرار گرفته است. بنابراین، چاپ‌های ایران و بیروت تا مجلد ۵۴ یکسان و برابرند، ولی پس از آن، جلد ۵۴ بیروت برابر با جلد ۵۷ ایران بوده و همیشه سه شماره کمتر از ایران است.

یک - آثار مرتبط با بحارالانوار

سفینه البحار

کتاب محدث قمی در گذشته در ۲ جلد و اخیراً در ۴ و ۸ جلد منتشر شده است و باید جزو کتاب‌های همراه مبلغ باشد. چاپ چهار جلدی آستان قدس رضوی، بسیار عالی است.

۱. برای آشنایی بیشتر نک: مقدمه معجم بحار الأنوار، قم، بوستان کتاب؛ یادنامه علامه مجلسی، ۳ جلد؛ علامه مجلسی، بزرگ‌مرد علم و دین از علی دوانی.

مجموعه آثار محدث قمی که کنگره بزرگداشت او به زودی منتشر می کند، برای مبلغان، سرمایه سخن است.

دو - ترجمه های بحار الانوار

برخی مجلدات بحار الانوار نیز به فارسی ترجمه شده است که موارد زیر را می توان برشمرد:

۱. سه جلد مربوط به امام زمان (عج) به نام مهدی موعود به قلم علی دوانی.

۲. کتاب ایمان و کفر در دو جلد به قلم عزیزالله عطاردی، چاپ انتشارات عطارد.

۳. زندگانی حضرت زهرا (س) (جلد ۴۳) به قلم محمد روحانی علی آبادی، انتشارات مهام، در یک جلد.

۴. حدود ۳۰ جلد، منتشر شده از کتاب فروشی اسلامیة در زندگی امامان (ع)، امامت، السماء و العالم و... به قلم حضرات: محمد باقر کمره ای، محمد جواد نجفی، سید ابوالحسن موسوی همدانی و موسوی خسروی.

۵. مناهل الأبرار فی تلخیص بحار الانوار، حسین درگاهی، ۱۴ جلد، نشر عالم.

۶. مستدرک سفینه البحار، ۱۰ جلد از شیخ علی نمازی شاهرودی، چاپ دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین.

۷. جواهر البحار، ۶ جلد، شیخ حبیب کاظمی، بیروت، دار المحججه البيضاء.

۸. داستان‌های بحارالانوار، ۶ جلد، شیخ محمود ناصری، چاپ‌های متعدد.
۹. خلاصه الأسرار من بحارالانوار، احمد الحکیم، ذوی القربی.
۱۰. مشرعه بحارالانوار، شیخ محمد آصف محسنی، مکتبه عزیزی.
۱۱. درر الأخبار من بحارالانوار، سید مهدی حجازی شهرضایی، بیروت، الارشاد.

د) مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل

اثر محدث بزرگ، حاج میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ هـ) دارای ۲۳۵۱۴ روایت است که به عنوان استدراک و تکمیل وسائل، در حوزه فقه فراهم گشته است. مستدرک را مؤسسه آل‌البیت (ع) در ۲۷ جلد و ۳ جلد فهرست، منتشر کرده است. گفتنی است از جلد ۱۹ تا ۲۷، ۹ جلد خاتمه کتاب در علوم حدیث و رجال و درایه است، نه روایت.

شیخ حرّ عاملی، کتابی به سبک چینش وسائل، و مختصر، به نام هدایه الأئمه إلى احکام الأئمه (ع) دارد که آستان قدس رضوی، آن را در ۸ جلد منتشر کرده است.

گفتنی است برای تکمیل و جبران کمبودهای وسائل، مثل تقطیع یک روایت در چند مورد، به ارشاد و اشراف آیت الله العظمی بروجردی، کتاب «جامع أحادیث الشیعه» به قلم شیخ اسماعیل معزی ملایری در ۳۱ جلد فراهم و منتشر شده

است. فواید فراوان و شیوه این کتاب را در مقدمه ج ۱ آن (صص ۱۳ به بعد) ببینید.

عوامل کم‌توجهی به کتاب‌های حدیثی

ما تشنه لب اندر لب دریا متحیر

محبوب ماندن معادن روایی از مبلغان، عوامل متفاوتی دارد که مهم‌ترین آن، بی‌اطلاعی از جایگاه، باب، فصل و جلد موضوع مورد نظر خویش است. برای برداشتن این مانع، راه کارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

افزایش آشنایی با چینش و ابواب این آثار: تنظیم وسائل به ترتیب کتاب شرائع است و باب‌های مقدمات عبادات و مبحث نیت در جلد اول، اخلاق معاشرت، آداب سفر، در کتاب حج، ج ۱۱ جدید و ۹ قدیم، کتاب زیارت در پایان بحث حج، ج ۱۶ جدید و ۱۰ قدیم، جهاد با نفس در کتاب الجهاد، ج ۱۵ و ۱۶ جدید و ۱۱ قدیم است. این جلد به فارسی هم ترجمه شده است. این مباحث بیشتر مورد نیاز واعظان است و کتاب‌های دیگر، هر کدام سبک خاصی دارد، چنان که همین مطالب در محجّة البیضاء، به سبک احیاء العلوم جا گرفته است.

استفاده از نرم افزار با کلمات کلیدی و مرتبط یا مترادف و حتی متضاد.

رجوع به امثال سفینه البحار و میزان الحکمه و پیدا کردن موضوع مورد نظر در بحار الانوار.

تهیه فهرستی کلی از منابع مورد نظر و قرار دادن در دیدگاه خویش.^۱

بوستان دوم - فهارس و معجم‌ها

فهرست‌نگاری در رجال و کتاب‌شناسی، ریشه‌ای قویم و قدیم دارد. برای منابع روایی نیز انواع کتاب‌های راهنما و فهرست تألیف شده است. کاربرد گسترده، سریع، ارزان و کم حجم نرم‌افزار و رایانه، بازار معجم‌ها را کساد کرده ولی آگاهی از برخی معجم‌ها لازم است.

علی‌رضا برازش و همکاران، برای کتب اربعه، بحار، وسائل و ... معجم الفاظ منتشر کرده‌اند. المعجم المفهرس لألفاظ احادیث بحار الأنوار، کار پژوهشکده دفتر تبلیغات و چاپ بوستان کتاب، از جهاتی سودمند و آسان‌یاب و فنی‌تر است. برای نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و ... نیز انواع فهرست‌های موضوعی و لفظی فراهم شده است.

استفاده از فهرست‌های لفظی و موضوعی که انواع اقسامش برای قرآن کریم و بیشتر تفاسیر، تهیه شده است، بار سنگین پژوهش را سبک و محتوای پژوهش و تبلیغ را پرمایه، محکم، مستند، جامع، صحیح و عالی می‌سازد. البته بهره‌مندی از این منابع، آن‌گاه بر واعظ آسان شود که با حضور در کلاس و نیز کتاب‌روشن تحقیق آشنا شود.

۱. جا دارد چنین فهرستی، تهیه و برای مبلغان منتشر شود.

فهارس بحارالانوار به کوشش سید محسن خاتمی در ۱۰ جلد، فهرستی است بر «آیات - اعلام - رجال سند - اماکن، اقوام - کتب، اشعار - مصادر» که آن را مرکز تحقیقات و بررسی‌های علمی در بیروت فراهم آورده و منتشر کرده است.

کتاب‌نامه و مقاله‌نامه

برای بسیاری از شخصیت‌ها نظیر رسول اعظم اسلام(ص)، امام علی(ع)، فاطمه زهرا(س) و دیگر معصومان(ع) و نیز برای برخی موضوع‌ها مثل «تربیت»، «اخلاق»، «اقتصاد»، «زن» چند کتاب فراهم شده است که به معرفی کتاب‌ها یا مقاله‌ها می‌پردازد. اگر واعظی بخواهد درباره امام حسین یا امام زمان(عج) مطالعه کند، اول باید به کتاب نامه و مقاله نامه آن حضرت مراجعه فرماید. مهم‌ترین منابع را شناسایی و از سرچشمه‌ها استفاده کند و عمر خویش را در مطالعه کتاب‌های بازاری و بی‌مایه، تلف نکند. هم‌چنین اگر بخواهد در زاویه خاص یا فصل ویژه‌ای از زندگی این امامان(ع) مثل اصحاب امام حسین، علایم ظهور و... مطالعه کند، باید با منابع مهم درباره این موضوع، آشنا شود و از همان مآخذ بهره بهینه برد.^۱

۱. خوش‌بختانه مراکز تخصصی و نیز کتابخانه‌های تخصصی در قم آشیانه منابع بوده و استادان این مراکز، راهنما و مشاوران آگاهی هستند.

بوستان سوم - احادیث یکی از معصومان

سرمایه سخن، منابع و مآخذ کارآمد هستند. بسیار دیده شده است که مبلغان به دلیل محرومیت از این منابع، به فرض، در مجلس یکی از امامان مانند امام هادی(ع)، مخاطبان را به کوفه و کربلا می‌برند و از حضرت زینب یا ابوالفضل سخن می‌گویند. اگر گوینده با تاریخ و سخنان امام هادی(ع) آشنا باشد، می‌تواند به اندازه صد سخنرانی، از آن حضرت سخن بگوید. از این رو، آشنایی و ارتباط با این منابع ضروری است. به دلیل فراوانی آثار، تنها می‌توان برخی را نام برد و برای آگاهی بیشتر باید به کتاب‌نامه معصوم مورد نظر یا کتاب‌خانه‌های تخصصی، تاریخ، حدیث و کلام مراجعه کرد. بنا بر آن است که یاد کتاب‌ها به ترتیب معصومین(ع) باشد و اگر مسندها یا مناهج، فرهنگ‌ها و ... درباره چند معصوم باشد، فقط یک بار، می‌آید و آنچه درباره معصومان(ع) است، در آخر می‌آید.

برای بسیاری از کتاب‌ها، مقاله‌های کتاب‌شناسی و نقد اثر تهیه شده است، ولی در این جا فرصت توصیف و نقد آثار نیست. معرفی کتابی نیز به معنای تأیید تمامی آن اثر یا نویسنده آن نیست.

۱. پیامبر اکرم(ص)

الف) موسوعه الرسول المصطفی: به اهتمام محسن احمد الخاتمی که با همکاری نویسندگان، در عنوان‌های گوناگون در ایران و بیروت در دست انتشار است. موضوع زیر را در

این موسوعه می‌توان دید: الرسول المصطفی و فضائل القرآن، عبدالحلیم الحلّی؛ العدّ التنازلی فی علائم ظهور المهدی، عباس تبریزیان؛ فصاحه الرسول المصطفی (ع) عادل البدری؛ دراسة فی طب الرسول المصطفی، تبریزیان؛ الرسول المصطفی (ع) و نظریه الأدب، البدری؛ سنه الرسول المصطفی و ابدجیات التحریف، باسم الحلّی؛ اسماء الرسول المصطفی و القابه، تبریزیان؛ الرسول المصطفی فی الآخرة، عبدالحلیم الحلّی و....

مراكز توزيع:

قم، دارالانصار، سجادیّه، ک ۳۴، پ ۱۶، تلفن: ۷۷۵۱۱۲۰.

مشهد، ص. پ ۹۱۳۷۵/۴۴۳۶، فاکس: ۲۲۲۲۴۸۳.

ب) موسوعه نصره النعیم فی مکارم أخلاق الرسول الکرم (ص): نویسنده آن، شیخ صالح، پیش‌نماز مسجدالحرام است که آن را با دیدگاه عامی، در ۱۲ جلد گرد آورده است. به ترتیب الفبا و موضوعی است. تا جلد ۸ در صفات مستحبّه و محاسن اخلاق است و جلد ۹ تا ۱۱ به صفات مذمومه و مساوی اخلاق به ترتیب آیات و اخبار صریح، مضمونی و آثار و نمونه‌های داستانی که رخ داده، آمده است.

گفتنی است منابع سیره آن حضرت، فراوان است و چون عمدتاً صبغه تاریخی، نه روایی دارد، آن را به بخش تاریخ و سیره وا می‌گذاریم.

ج) سنن النبی(ص): ترکیبی از وسائل و مستدرک است که آستان قدس رضوی، ۱۰ جلد، زیر نظر استاد کاظم مدیر شانه‌چی چاپ کرده است.

د) موسوعه النبی الأعظم: نوشته محمد هادی امینی (فرزند علامه امینی) در ۲ جلد، به وسیله نشر دارالزهرا در بیروت چاپ شده است.

ه) مسند الرسول الأعظم: یحیی فلسفی دارابی شیرازی، احادیث موضوعی نبوی را در ۱۲ جلد گرد آورده و منشورات علمی آن را منتشر کرده است.

و) مکاتیب الرسول(ص): نامه‌های پیامبر اعظم(ص) در ۳ جلد به اضافه یک جلد فهرست از آیت‌الله علی احمدی میانجی، با مقدمه و دنیایی از اطلاعات سودمند، به وسیله دارالحديث چاپ شده است.

ز) پیامبر رحمت از نگاه قرآن و اهل بیت(ع): محمد محمدی ری شهری نویسنده آن است. ۲۸۴ صفحه دارد و دارالحديث آن را منتشر کرده است. همین اثر به عربی به نام «نبی الرحمة من منظار القرآن و اهل البيت(ع)» منتشر شده است.

ح) نهج الفصاحة: مجموعه‌ای از کلمات قصار پیامبر اعظم(ص) با ترجمه فارسی، چیش احادیث به ترتیب الفبایی و با فهرست موضوع است. ابوالقاسم پاینده نجف‌آبادی، فراهم‌آورنده و مترجم این اثر است و سازمان انتشارات جاویدان آن را چاپ کرده است. همین اثر به صورت‌های دیگری نیز منتشر شده است نظیر:

یک - الحدیث: رهنمای انسانیت، سیری دیگر در نهج الفصاحه، با تنظیم موضوعی، در ۶۱۶ موضوع، مرتضی فرید تنکابنی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

دو - نهج الفصاحه، فی أدب النبی (ص): یک جلد عربی، در چند فصل و نیز کلمات قصار به ترتیب الفبایی، علاء الدین اعلمی، مؤسسه الأعلمی، بیروت.

سه - نهج الفصاحه، الحاوی لقصار کلمات الرسول (ص): غلام حسین مجیدی. این اثر با چینش موضوعی و با چند نوع چاپ و با ترجمه و عربی خالص و با تخریج منابع، به همت مؤسسه انصاریان منتشر شده است.

چهار - هزار حدیث از سخنان حضرت محمد (ص) در ۸۰ موضوع: فضل الله کمپانی، کتاب فروشی اسلامیه.

ط) حدیث معراج: این حدیث شروح مفید دارد مثل: یک - سرّ الإسراء فی شرح حدیث المعراج: ۲ جلد عربی، علی سعادت پرور، مکتبه التشیع.

دو - راهیان کوی دوست، (شرح حدیث معراج): محمد تقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (قدس سره).

سه - اسرار معراج پیامبر (ص): ۲ جلد، علی قرنی گلبایگانی.

چهار - الصحیفه النبویّه، لمحمد بن عبدالله (مجموعه دعاهاى حضرت): یحیی فلسفی دارابی شیرازی، مؤسسه البلاغ.

۲. امام علی

(الف) موسوعة الامام علی بن أبی طالب فی الکتاب و السنه و التاریخ: چاپ دارالحديث، ۱۲ مجلد، ترجمه این اثر گسترده و ارزشمند نیز به نام دانش‌نامه امام علی از طرف دارالحديث منتشر شده است.

(ب) دانش‌نامه امام علی(ع): ۱۳ جلد، مقاله‌های موضوعی به فارسی از بهترین نویسندگان، زیر نظر: علی اکبر رشاد، نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

(ج) مسند الإمام علی(ع): سید حسن قبانچی، ۱۱ جلد، انتشارات اسوه. مسند؛ یعنی مجموعه احادیث یک شخصیت یا یک راوی، با بیان سلسله سند. اخیراً مسندهای چهارده معصوم(ع) و حتی حضرت معصومه(س) و حضرت عبدالعظیم حسنی منتشر شده است. اهل سنت نیز مسندی ۸ جلدی به نام مسند الامام علی(ع) منتشر کرده‌اند.

(د) موسوعة الإمام أمير المؤمنين علی بن أبی طالب(ع): باقر شریف القرشی، ۱۱ جلد، مؤسسه الکوثر للمعارف الإسلامیّه. گفتنی است این دانشمند مورّخ، درباره بیشتر معصومین(ع)، کتاب‌های ارزشمندی سامان داده است که عمدتاً به فارسی نیز ترجمه شده‌اند.

(ه) نهج البلاغه: کتاب‌شناسی نهج البلاغه، یک جلد کتاب قطور می‌طلبد. در این جا به چند اثر منتشر شده درباره آن اشاره می‌شود:

آثار مرحوم محمد دشتی، شخصیتی که بیشترین تلاش و آثار را در راه ترویج نهج البلاغه داشت و کتاب‌هایی در

شرح، معجم و معارف آن تألیف کرد. ایشان مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین را بنیان نهاد. این مؤسسه در قم، خیابان حجتیه، کوچه ۲ قرار دارد (تلفن ۷۷۴۱۱۸۴). مجموعه ۱۵ جلدی نهج الحیاء نیز از مرحوم دشتی درباره چهارده معصوم (ع) بسیار مفید است.

پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، شرح تازه و جمعی بر نهج البلاغه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، دارالکتب الاسلامیه، ۶ جلد.

ترجمه و تفسیر نهج البلاغه: محمد تقی جعفری، ۲۵ جلد، تا خطبه ۱۵۶، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

شرح نهج البلاغه: کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی، ترجمه: قربان علی محمدی مقدم و علی اصغر نوایی یحیی زاده، آستان قدس رضوی.

بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه: شیخ محمد تقی شوشتری، ۱۴ جلد، سازمان چاپ و انتشارات امیرکبیر.

شرح نهج البلاغه ابن أبی الحدید: تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم. بخش‌هایی از این کتاب به نام «جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن أبی الحدید» به قلم محمود مهدوی دامغانی، به فارسی، ترجمه و به همت نشر نی منتشر شده است.

نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، محقق پرتلاش
مرحوم حاج شیخ محمدباقر محمودی،^۱ مواردی از سخنان
امام علی را که در نهج البلاغه نیامده بود، فراهم آورده و در
۱۲ جلد از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان
چاپ و انتشارات، منتشر شده است.

منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه: میرزا حبیب الله
هاشمی خویی (م ۱۳۲۴ ه. ق)، ۲۲ جلد، بیروت، داراحیاء
التراث العربی.

(و) غرر الحکم و درر الکلم:

مجموعه حکمت‌های کوتاه امیرالمؤمنین علی است که
عبدالواحد تمیمی از علمای قرن پنجم فراهم آورده است و
شروح زیادی دارد. بزرگ‌ترین شرح، از جمال‌الدین محمد
خوانساری، معروف به «آقا جمال» است که با تصحیح
محدث ارموی، در ۷ جلد و یک جلد فهرست، از طرف
انتشارات دانشگاه تهران چاپ شده است.

یک - این اثر ترجمه‌ها و شروحي دیگر با ترتیب
موضوعی دارد، مثل ترجمه محمدعلی انصاری قمی، مؤسسه
انتشاراتی امام عصر(عج)؛ ترجمه سید حسین شیخ الاسلامی
در ۲ جلد، مؤسسه انتشاراتی انصاریان؛ ترجمه سید هاشم
رسولی محلاتی.

۱. زندگی این شخصیت را در کتابی به نام یادنامه محقق محمودی به قلم مختاری،
مطالعه بفرمایید.

دو - دو کتاب تصنیف غرر الحکم و معجم الفاظ غرر الحکم، از مصطفی درایتی، هر کدام در یک جلد، نشر بوستان کتاب قم، شامل چند فهرست کارآمد و موضوعی و بسیار مفید است.

۳. حضرت فاطمه زهرا(س)

الف) مسند فاطمة الزهراء(س): سید حسین شیخ الاسلامی، یک جلد، بوستان کتاب قم. انتشارات انصاریان، ترجمه این اثر را به قلم حیدر علی حیدری همراه با متن، چاپ کرده است.

ب) الکوثر فی أحوال فاطمه بنت النبی الأطهر: سید محمدباقر موسوی، ۶ جلد، ناشر مؤلف است، چاپ قم.

ج) الموسوعة الكبرى عن فاطمة الزهراء(س)، اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی، ۲۰ جلد، منشورات دلیل ما.

د) مسند فاطمه، مهدی جعفری، عربی و ترجمه آن را مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی جلیل منتشر کرده است.

ه) یک جلد از «نهج الحیة»، به فرهنگ سخنان فاطمه زهرا(س)، اختصاص دارد. نهج الحیة را محمد دشتی گردآورده است.

برای خطبه حضرت زهرا(س)، ترجمه و شروح زیادی نوشته‌اند، مثل:

الف) اللعة البيضاء فی شرح خطبه الزهراء(س): مولا محمد علی بن أحمد قراچه داغی تبریزی، تصحیح: سید

هاشم میلانی (م ۱۳۱۰ هـ.ق)، دفتر نشر الهادی، یک جلد عربی، ۸۰۰ صفحه.

ب) شرح خطبه حضرت زهرا(س): آیت‌الله سید عزالدین حسینی زنجان، فارسی، یک جلد، ۷۰۴ صفحه، بوستان کتاب قم.

۴. امام حسن مجتبی(ع)

الف) مسند الإمام المجتبی(ع): عزیزالله عطاردی، یک جلد، انتشارات عطارد.

ب) موسوعه کلمات الإمام الحسن: پژوهشکده باقرالعلوم، یک جلد، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

ج) جلد پنجم مجموعه نهج الحیاء (در سخنان چهارده معصوم(ع)): به فرهنگ سخنان امام حسن مجتبی، اختصاص دارد. محمد دشتی، آن را در یک جلد؛ گرد آورده و نشر محدث چاپ کرده است.

د) الألفین فی أحادیث الحسن و الحسين(ع): علی حیدر المؤید، عربی، ۴ جلد، مؤسسه البلاغ.

هـ) تعالیم امام حسن مجتبی(ع): فارسی و عربی، حسن کافی، ۱ جلد، انتشارات روزنامه جمهوری اسلامی.

و) یک جلد از سلسله فرهنگ جامع، به نام فرهنگ جامع سخنان امام حسن(ع): ترجمه: علی مؤیدی. این مجموعه به عنوان موسوعه کلمات الامام حسن(ع) - و نیز دیگر امامان(ع)

- با ترجمه فارسی در مجلدی جداگانه از طرف پژوهشکده باقرالعلوم، فراهم و منتشر شده است.

۵. امام حسین(ع)

(الف) مسند الإمام الشهيد أبي عبدالله الحسين بن علي(ع):
عزیز الله عطاردی، ۳ جلد، انتشارات عطارد.

(ب) موسوعه کلمات الامام الحسين(ع): پژوهشکده باقرالعلوم(ع)، یک جلد. ترجمه همین کتاب به نام فرهنگ جامع سخنان امام حسین(ع)، نشر معروف، یک جلد.

(ج) فرهنگ سخنان امام حسین(ع): محمد دشتی، یک جلد از نهج الحیاه (ج ۶)، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین(ع)، عربی و فارسی.

(د) دانش‌نامه امام حسین(ع): بخشی از این اثر به نام حکمت‌نامه امام حسین(ع) در ۲ جلد و ۱۰ فصل در ۶۰۶ و ۴۹۳ صفحه چاپ شده است و در انتظار جلد‌های دیگر مجموعه دانش‌نامه هستیم. ترجمه سخنان امام حسین(ع) در حکمت‌نامه به قلم عبدالهادی مسعودی منتشر شده است که در جامعیت و تبویب و تنظیم عالی است.

(ه) سخنان حسین بن علی(ع) از مدینه تا کربلا: محمد صادق نجمی، چاپ بوستان کتاب قم.

۶. امام سجاد(ع)

از آثار امام سجاد(ع) صحیفه سجادیه و رساله الحقوق، هر دو شروح فراوانی دارد. کاملترین چاپ عبارت است از:

(الف) الصحيفة السجادية (الجامعة لأدعية الإمام علي بن الحسين): زیر نظر مرحوم سید محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، مؤسسه الامام المهدي (عج).

شرح فارسی

دیار عاشقان: از حسین انصاریان، ۷ جلد تا دعای ۵۴.
برخی دعاها مثل دعای بیستم «مکارم الاخلاق»، حدود ۱۰ شرح دارد.

شرح عربی

(الف) جامع‌ترین شرح عربی عبارت است از: ریاض السالکین، شرح صحیفه سیدالساجدین صلوات الله علیه: از سید علی‌خان الحسینی المدنی (م ۱۱۲۰ هـ. ق)، ۷ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، با دو جلد فهرست از شیخ محمدحسین مظفر، از همان ناشر و سه جلد تلخیص از سید ابوالفضل حسینی، به نام تلخیص ریاض أو تحفه الطالبین، المقتطف من ریاض السالکین.

سید علی‌خان، ادیبی بسیار متبحر و متخصص و نویسنده قاموس لغت عربی «الطراز الأول و الكناز لما علیه من لغة العرب المعول» در ۱۶ جلد، با چاپ مؤسسه آل‌البیت (ع) است.

(ب) بلاغة الإمام علی بن الحسین (ع): شیخ جعفر عباس حائری، مرکز چاپ و نشر مجمع جهانی اهل‌بیت (ع)، ۲۴۱ صفحه.

ج) نویسندگانی که درباره چهارده معصوم به صورت دوره‌ای کتاب نوشته‌اند، درباره امام سجاده (ع) هم کتابی دارند، مانند حیاة الإمام زین العابدین، باقر شریف قرشی، ۲ جلد. استاد عطاردی و مرحوم دشتی نیز در این زمینه کتاب داشته‌اند.

بهترین فهرست و نمایه صحیفه عبارت است از: المعجم المفهرس لمعانی الصحیفه السجّادیّه و نیز نمایه و نامه موضوعی یا فرهنگ موضوعی صحیفه که هر دو را مصطفی درایتی و همکاران به همت نشر مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران منتشر کرده‌اند.

ترجمه‌ها

ترجمه‌هایی، معتبر و بهتر است که یا از دانشمندان و ادیبان مثل مرحوم آیت الله شعرانی باشند یا کارشناس ترجمه مثل ترجمه عبدالمجید آیتی (چاپ سروش) یا از ادیبان مثل ترجمه استاد محمد علی مجاهدی (مؤسسه انتشارات حضور) یا از مأنوسان با صحیفه، مثل انصاریان.

نکته: ترجمه قرآن کریم، نهج البلاغه، صحیفه و مفاتیح، از دشوارترین کارها بود، ولی گویا امروزه، از آسان‌ترین کارها، گشته و برخی با رونویسی و سرقت، به کتاب‌سازی و تجارت سرگرمند.

ب) رساله الحقوق

یک - رساله الحقوق للإمام علی بن الحسین زین العابدین (ع): حسن السید علی القبانجی، دو جلد عربی، بیروت، دارالأضواء و همین اثر، چاپ مؤسسه اسماعیلیان.

دو - حقوق از دیدگاه امام سجاد، علی بن الحسین زین العابدین (ع): قدرت الله مشایخی، انتشارات انصاریان، ۱ جلد.

سه - سیری در رساله حقوق امام سجاد (ع): سلسله گفتارهای آیت الله یثربی، ۳ جلد، انتشارات فرهنگ آفتاب.

چهار - شرح رساله الحقوق: شیخ صالح بن شیخ مهدی صحین الساعدی النجفی (م ۱۳۸۶ هـ. ق)، بیروت، دارالمرتضی، یک جلد عربی، ۸۶۲ صفحه.

پنج - ترجمه و شرح رساله الحقوق: محمد سپهری، انتشارات دارالعلم.

۷. امام محمد باقر (ع)

۱) مسند امام باقر (ع): محقق عطار دی، ۶ جلد.

۲) بلاغۃ الإمام محمد الباقر (ع): شیخ محسن شراره عاملی، عربی، یک جلد، دار الصفوه.

۸. امام جعفر صادق (ع)

الف) مجموعه احادیث به نام موسوعۃ الإمام الصادق (ع): مرحوم سید محمد کاظم قزوینی، ۲۷ جلد، ناشر الاجتهاد، قم.

ب) شرح توحید مفضل، به نام «من امالی الإمام الصادق (ع)»: محمد الخلیلی، ۴ جلد، بیروت، مؤسسه الأعلمی.

۹. امام موسی کاظم(ع)

مسند الامام الکاظم(ع): محقق عطار دی، ۳ جلد.

۱۰. امام رضا(ع)

الف) مسند الامام الرضا(ع): عطار دی، ۲ جلد.

ب) عیون أخبار الرضا(ع): شیخ صدوق، ترجمه: علی اکبر غفاری و حمیدرضا مستفید، دو جلد، دارالکتب الاسلامیه، ۷۷۹ و ۶۹۶ صفحه.

۱۱. امام محمد جواد(ع)

الف) موسوعة الإمام الجواد(ع): زیر نظر آیت الله خزعلی، قم، مؤسسه ولی عصر(عج)، ۲ جلد.

ب) مسند الامام الجواد(ع): عطار دی، ۱ جلد.

۱۲. امام هادی(ع)

الف) موسوعة الإمام: مؤسسه تحقیقاتی ولی عصر(عج)، ۴ جلد.

ب) فرهنگ جامع سخنان امام هادی(ع): پژوهشکده باقرالعلوم، ترجمه فارسی، یک جلد.

ج) مسند الامام الهادی(ع): عطار دی، ۱ جلد.

د) شروح متعددی بر زیارت جامعه کبیره - که یک مجموعه امام شناسی است - چاپ شده است، مثل:

یک - الأنوار الساطعة فی شرح الزيارة الجامعة: شیخ جواد کربلایی، ۵ جلد، دارالحدیث.

دو - سیمای ائمه در شرح زیارت جامعه: ۳ جلد، ۱۴۹
مجلس از علی نظامی، چاپ انتشارات فرایض.
سه - ادب فنای مقربان: عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر
إسراء، حدود ۱۰ جلد، فارسی.

۱۳. امام حسن عسکری (ع)

الف) مسند الإمام العسکری ابی محمد الحسن بن علی
علیهما السلام: عطاردی، یک جلد.
ب) موسوعه الامام العسکری (ع): مؤسسه تحقیقاتی ولی
عصر (عج)، زیر نظر آیت الله خزعلی، ۶ جلد.
ج) فرهنگ جامع سخنان امام هادی (ع): پژوهشکده
باقرالعلوم، نشر معروف، به فارسی هم ترجمه شده است،
۱ جلد.

۱۴. امام مهدی (عج)

درباره حضرت مهدی (ع)، آثار فراوان و مؤسسه‌های فعال
و مجلات ویژه‌ای وجود دارد. برخی آثار روایی از این قرار
است:

الف) معجم احادیث الإمام المهدی (ع): مؤسسه المعارف
الاسلامیه، زیر نظر شیخ علی کورانی، ۵ جلد.
ب) منتخب الأثر، فی الإمام الثانی عشر: لطف الله صافی
گلپایگانی، ۳ جلد، ناشر دفتر آیت الله صافی.
ج) موسوعه الامام المهدی (عج): مهدی فقیه ایمانی، ۳
جلد، مکتبه الامام امیرالمؤمنین، اصفهان، شامل بخش‌هایی از
کتب اهل سنت درباره حضرت مهدی (ع).

د) المعجم الموضوعی لأحادیث الإمام المهدي (عج):
 علی کورانی، ۱۱۳۶ صفحه.

بوستان چهارم - امامت و نبوت

برخی آثار درباره چهارده معصوم و امامت و نبوت یا احادیث آنان است. این بخش برای مبحث امامت و نیز در مناسبت‌ها، مناسب است.

۱. موسوعة الإمامة عند أهل السنة: کتاب‌خانه آیت الله نجفی مرعشی. این اثر، بسیار ارزنده و بازسازی احقاق الحق است.

۲. موسوعة العقائد الإسلامیة: دارالحديث، یک دوره احادیث عقیدتی که تاکنون مبحث توحید تا صفات سلبیه در ۵ جلد به بازار آمده است. ترجمه این اثر به نام دانش نامه عقاید اسلامی، چاپ دارالحديث منتشر می‌شود. این مجموعه به گردآوری آیات و روایات اعتقادی، تنظیم موضوعی آن‌ها و تحلیل مباحث مهم و حل تعارض‌های احتمالی و پاسخ‌گویی به شبهه‌ها می‌پردازد.

۳. نفحات الأزهار: خلاصه عبقات الانوار است که میرحامد حسین در ردّ بر التحفۃ الاثنی عشریّه، نوشته است. «عبقات» حدود صد جلد و نفحات الأزهار ۲۰ جلد است. پیش‌تر نیز تنها حدیث غدیر این کتاب را آقای میلانی در ۸ جلد و محدث قمی در یک جلد تلخیص کرده‌اند. نفحات چاپ اهل البیت است.

۴. ترجمه الغدیر: جلیل تجلیل، ۲۲ جلد، بنیاد بعثت.

۵. مدینه المعاجز (در معجزات معصومان«ع»): سید هاشم بحرانی، بیروت، مؤسسه النعمان، ۵ جلد.
۶. اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات: محمد بن حسن شیخ حر عاملی، با شرح و ترجمه: احمد جنتی، دارالکتب الاسلامیه، ۷ جلد.
۷. فضائل الخمسة من الصحاح الستة: سید مرتضی حسینی فیروزآبادی، تحقیق: مجمع جهانی اهل بیت(ع)، ۶ جلد. این اثر به فارسی، ترجمه و به نام فضایل پنج تن علیهم السلام، از طرف انتشارات فیروزآبادی چاپ شده است.
۸. أهل البيت فی الکتاب و السنّة: محمد محمدی ری‌شهری، دارالحديث، یک جلد. ترجمه فارسی آن نیز با عنوان اهل بیت در قرآن و حدیث در ۲ جلد به وسیله دارالحديث منتشر شده است.
۹. کتاب الله و أهل البيت فی حدیث الثقلین: مدرسه الامام باقرالعلوم(ع)، دلیل ما، یک جلد.
۱۰. القطرة من بحار مناقب النبی و العتره: سید احمد مستنبط، انتشارات ذوی القربی، یک جلد. ترجمه آن به نام قطره‌ای از دریای فضایل اهل بیت(ع) به قلم محمد ظریف در انتشارات الماس چاپ شده است.
۱۱. غایة المرام (احادیث شیعه و احادیث سنی درباره امامان«ع»): محدث بحرانی (م ۱۱۰۷ هـ.ق)، با تحقیق: آیت الله سیدرضا صدر، نشر دانش حوزه. چاپ‌های دیگری هم دارد که بی‌تصحیح است.

۱۲. بوستان معرفت (و دیوان اشعار): سید هاشم حسینی
تهرانی، ۳۰۱ حدیث در علم خاندان نبوت از مدارک اهل
سنت، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر.
برخی آثار به یکی از امامان(ع) منسوب است، یعنی
نمی‌توان به طور قطعی آن اثر را از معصوم دانست، مثل:
دیوان امام علی(ع)، فقه‌الرضا(ع)، تفسیر امام حسن
عسکری(ع) و مصباح الشریعة؛ منسوب به حضرت
صادق(ع).^۱

بوستان پنجم - احادیث قدسی

شیخ حرعاملی، الجواهر السنیة فی الأحادیث القدسیة را در
این موضوع تألیف کرده است. این اثر با ترجمه‌اش به نام
کلیات حدیث قدسی، به قلم زین‌العابدین کاظمی خلخالی،
ترجمه و انتشارات دهقان آن را منتشر کرده است.
اهل سنت در این موضوع آثار زیادی دارند که سازمان
تبلیغات و مجمع تقریب بین المذاهب، مجموعه‌ای از احادیث
قدسی مشترک بین شیعه و سنی را فراهم آورده‌اند. کتاب
الجامع فی الأحادیث القدسیة، نوشته عبدالسلام بن محمد بن
عمر علّوش یکی از آثار اهل سنت است که المکتب
الاسلامی در بیروت منتشر کرده است.

۱. در ارزیابی این آثار و نیز آثاری دیگر مثل کتاب سلیم بن قیس، کتاب‌شناسان،
مقاله‌های ارزنده متعددی نوشته‌اند.

حدیث معراج نیز قدسی شمرده می‌شود. شرح‌های این حدیث در بوستان سوم معرفی شد.

بوستان ششم - احادیث تفسیری

بسیاری از احادیث به طور مستقیم در شرح آیات شریفه قرآنی یا متناسب و مرتبط با آیات، در مجموعه‌هایی فراهم شده و به تفسیر روایی، تفسیر مأثور و احادیث تفسیری موسوم است. اخیراً مراکزی چون دارالحدیث یا استادانی چون آیت الله معرفت، به نقل و نقد گسترده این احادیث پرداخته‌اند، ولی هنوز چاپ نشده است. معرفی کامل این فصل را به بخش «مهارت‌های تفسیری» واگذار می‌کنیم و نام آن‌ها را به اجمال می‌آوریم:

تفسیر فرات کوفی، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)، تفسیر عیاشی، تفسیر برهان، تفسیر نورالثقلین، تفسیر صافی، جامع الأخبار و الآثار از موحد ابطحی اصفهانی و تفسیر الدر المنثور، از اهل سنت و تفسیر شواهد التنزیل از حاکم حسکانی حنفی در فضایل پنج تن است.

بوستان هفتم - تک نگاری‌ها

تک نگاری، یعنی یک کتاب در یک موضوع نگاشته شود.

امروزه پژوهشگران، به انتشار آثاری درباره یک موضوع می‌پردازند. برای نمونه انتشارات آل البیت از سید علی شهرستانی یک کتاب در وضو، یک کتاب در اذان و... منتشر کرده است که بسیار جامع و محققانه است.

نامه‌ای که نانوشته ماند، نوشته‌ای از استاد زین‌علی که درباره ممانعت خلیفه از نوشتن نامه پیامبر اعظم (ع) است نشر بوستان کتاب منتشر کرده است. عنوان‌های موجود در میزان الحکمه نیز هر کدام به صورت یک کتاب و با ترجمه فارسی منتشر می‌شود. نزدیک به چهار هزار حدیث درباره علم، به نام العلم و الحکمه فی الکتاب و السنه گرده آمده است. شهر الله فی الکتاب و السنه نیز با ترجمه جواد محدثی، در ۲ جلد به نام مراقبات ماه رمضان یا ماه خدا منتشر کرده است. شهید و شهادت در قرآن و حدیث را نیز مؤسسه آل‌البیت (ع) با ترجمه جواد عباسی در نشر شاهد چاپ کرده است.

درباره مجموعه فرهنگ‌نامه باید گفت تاکنون این مدخل‌ها از دانش‌نامه میزان الحکمه، جداگانه منتشر شده است: فرهنگ‌نامه آرزو، فرهنگ‌نامه ادب، فرهنگ‌نامه اذان.

بوستان هشتم - کتب مرجع

مجموعه‌های روایی به ترتیب الفبایی یا موضوعی و شامل چند جلد و در موضوع‌های گوناگون همواره مورد مراجعه است. برخی از این دست مثل کتب اربعه قدما و متأخران پیش‌تر معرفی شد. اینک به برخی دیگر از این کتاب‌ها اشاره می‌شود:

۱. موسوعة احادیث أهل البيت عليهم السلام: شیخ هادی نجفی، ۱۲ جلد با ۱۵۸۰۲ حدیث موضوعی، بیروت، دار‌الحیاء التراث العربی.

۲. معجم المحاسن و المساوی: آیت الله تجلیل، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، به ترتیب الفبایی، تاکنون ۱۴ جلد منتشر شده است و حدود ۳۰ جلد می‌شود.
۳. الحیاء، محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی و علی حکیمی، ۶ جلد عربی، ترجمه آن به قلم احمد آرام و حکیمی، به صورت جداگانه، از سوی دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر شده است. این اثر، دایرة المعارفی اسلامی، علمی و پژوهشی است که روش زندگی فردی و اجتماعی آزاد و پیشرو را ترسیم می‌کند.
۴. میزان الحکمه: با ترجمه فارسی و نیز موسوعه میزان الحکمه (عربی) و ترجمه فارسی آن به نام دانش‌نامه میزان الحکمه به وسیله محمد محمدی ری شهری با همکاری جمعی از پژوهشگران در مؤسسه دارالحديث گرد آمده است. ۱.
۵. ترتیب الأمالی: تنظیم موضوعی امالی شیخ مفید، سید مرتضی، طوسی و ... در ۸ جلد.
۶. آثار الصادقین: شیخ صادق احسان بخش، نشر صادقین، ۲۹ جلد به ترتیب حروف الفبای اول احادیث.

۱. آثار دارالحديث را می‌توان از این مراکز تهیه کرد: قم، میدان شهداء، خ معلم، پ ۱۲۵، تلفن: ۷۷۴۰۵۴۵ + ۰۲۵۱؛ تهران، شهر ری، صحن کاشانی؛ مشهد، چهارراه شهدا، ضلع شمالی باغ نادری، مجتمع فرهنگی تجاری گنجینه کتاب، طبقه هم‌کف، تلفن: ۵ - ۲۲۴۰۰۶۴.

۷. ینابیع الحکمة: عباس اسماعیلی یزدی، موضوعی، ۵ جلد، مسجد جمکران و نیز مولود کعبه.
۸. المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء: مولا محسن فیض کاشانی با تصحیح: علی اکبر غفاری، ترجمه آن به نام «راه روشن» از سید محمدصادق عارف به وسیله نشر آستان قدس رضوی چاپ شده است. این کتاب ۸ جلدی و موضوعی به سبک احیاء العلوم غزالی و با گزینش روایات شیعی و تهذیب کتاب غزالی است. این اثر جزو کتاب‌های اخلاقی است، ولی به دلیل فراوانی روایات و فواید، در این جا ذکر شد.
۹. معانی الأخبار: شیخ صدوق، ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی، دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. الحدیث: روایات تربیتی از مکتب اهل بیت (ع)، ۳ جلد موضوعی از گفتارهای زنده یاد فلسفی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. تنبیه الخواطر (مجموعه ورام): در آداب و اخلاق، ترجمه: محمدرضا عطایی، آستان قدس رضوی.
۱۲. کلام نور: نادر مهربان، سه هزار حدیث در سه هزار عنوان به ترتیب الفبا، ۲ جلد از پیامبر اعظم (ص) و دو جلد دیگر از امام علی (ع).
۱۳. مجمع الأحادیث: محمداقرا آخوندی، به ترتیب الفبا، جلد ششم تا حرف خ، انتشارات زائر. باید گفت ادعیه و اوارد و اذکار و زیارات، زمینه تحقیقی گسترده را دارد. در این جا به برخی جوامع جدید اشاره می‌شود:

۱. موسوعة زیارات المعصومین علیهم السلام: مؤسسه الإمام الهادی(ع)، قم، دلیل ما، ۵ جلد و یک جلد فهرس و یک جلد مقدمه.

۲. موسوعة الأدعية: جواد قیومی اصفهانی، آستان قدس رضوی، ۶ جلد. صحیفه‌های دیگر ائمه به جز از صحیفه سجادیه نیز فراهم شده است و برای بیشتر دعاها و زیارات، ترجمه و شرح فارسی چاپ شده است نظیر:

موسوعة قیمه تحتوی علی سته صحائف: محمد باقر ابطی اصفهانی، مدرسه الامام المهدی(عج)، قم.
هر جلد به نام‌های: الصحیفه الکاظمیه و الرضویه، الصحیفه الباقریه و الصادقیه، الصحیفه السجادیه الجامعه، الفاطمیه الجامعه، العلویه الجامعه و النبیّه الجامعه منتشر شده است.

الصحیفه النبویه: یحیی فلسفی دارابی، موسسه البلاغ.

بوستان نهم - کتاب محراب

منظور آن مجموعه تک جلدی است که باید همواره همراه مبلغ باشد. گاهی از این آثار، به کتاب همراه، رومیزی، دمدستی و بالینی تعبیر می‌کنند؛ یعنی روحانی باید با این کتاب‌ها، مأنوس باشد و این‌ها همراه، روی میزش، دمدستش و کنار بالینش باشد. به دلیل حرمت احادیث، نام «کتاب محراب» بر آن نهادیم؛ یعنی پس از مطالعه شایسته است همواره در محراب و مورد استفاده، قبل یا بعد از نماز قرار گیرد، مثل نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و... .

۱. ارشاد القلوب دیلمی، چاپ و ترجمه‌های زیادی دارد.
متن و ترجمه آن با هم در دو جلد، به قلم بهزاد جعفری در
نشر صدوق منتشر شده است.
۲. تلخیص میزان الحکمه در یک جلد، با چاپ‌های
متعدد و ترجمه‌دار منتشر شده و نرم افزار آن نیز بر بیشتر
گوشی‌های تلفن همراه قابل نصب است.
۳. جلوه‌های حکمت: سید اصغر ناظم زاده قمی،
حکمت‌هایی از امام علی در ۲۲۵ موضوع، بوستان کتاب قم.
۴. الحکم الزاهرة: علی‌رضا صابری یزدی، ترجمه: محمد
رضا انصاری محلاتی، موضوعی، سازمان تبلیغات اسلامی.
۵. صحیفه رستگاری: حاج یدالله بهتاش، نشر سبحان.
۶. شرح فارسی شهاب الأخبار: قاضی قضاعی (کلمات
قصار پیغمبر خاتم) تصحیح: سید جلال‌الدین حسینی ارموی،
مرکز انتشارات علمی و فرهنگی. ترجمه همین کتاب به
تصحیح محمد تقی دانش‌پژوه در انتشارات دانشگاه تهران
منتشر شده است.
۸. جامع الأخبار: محمد بن محمد سبزواری، مؤسسه آل
البیت (ع)، ۱۴۰ موضوع.
۹. جواهر الکلام یا گوهرهای حکمت: محمد ابراهیم
رضایی راد، نشر سایه.
۱۰. گلچین حکمت (برگزیده‌ای از کتاب روضه بحار):
رسولی محلاتی.
۱۱. یک هزار حدیث در یک صد موضوع: هادی
موحدی، ۳۶۸ صفحه با ترجمه فارسی.

چند نام و یک اثر

گاهی یک کتاب، با چند نام معروف می‌گردد، مثل:

۱. الفقیه = فقیه من لا یحضره الفقیه = کتاب من لا یحضره الفقیه.
۲. مجموعه ورام = تنبیه الخواطر.
۳. وسائل الشیعه = تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه.

«کتاب نامہ»

۱. قرآن کریم.
۲. نہج البلاغہ.
۳. آمدی تمیمی، عبدالواحد، غرر الحکم (شرح غرر الحکم و درر الکلم)، تحقیق: سید جلال الدین محدث ارموی، دانشگاه تهران، بی تا.
۴. أبو ریّہ، شیخ محمود، شیخ المضیرۃ ابو ہریرۃ، القاہرۃ، دارالمعارف.
۵. ابو ریّہ، شیخ محمود، اضواء علی السنۃ المحمدیۃ، أو دفاع عن الحدیث؛ مصر، دارالمعارف، ۱۱۱۹ م.
۶. ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویہ، کامل الزیارات، تہران، مکتبۃ الصدوق، ۱۳۷۵.
۷. اتابکی، پرویز، رهاورد خرد (ترجمہ کتاب تحف العقول)، تہران، نشر و پژوهش فرزاد، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۸. احمد بن حنبل، المسند، تصحیح: صدقی محمد جمیل العطار، بیروت، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۹. امین، سید محمد، روایت و درایت، ناشر مؤلف، قم.
۱۰. امینی، عبدالحسین، الغدير، بیروت، دارالکتاب العربی، (ترجمه الغدير، به قلم دکتر جلیل تجلیل، در ایران منتشر شده است).
۱۱. بن سورة، ابی عیسی محمد بن عیسی، الجامع الصحیح (سنن الترمذی)، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
۱۲. جدیدی نژاد، محمد رضا، معجم مصطلحات الرجال و الدراية، قم، دارالحديث، ۱۳۸۰.
۱۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة (تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة)، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
۱۴. حرّانی (ابن شعبه)، ابی محمد حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۳.
۱۵. حسین الحاج حسن، نقد الحديث فی علم الرواية و علم الدراية، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ اول، ۱۴۰۵ هـ.ق.

۱۶. حلبی، علی حسن علی و ابراهیم طه القیسی و حمدی محمد المراد، موسوعة الأحادیث و الآثار الضعیفة و الموضوعة، ریاض، مکتبة المعارف للنشر و التوزیع، ۱۴۱۹هـ.ق.

۱۷. الحلو، السید محمد علی، تاریخ الحدیث النبوی، بین سلطه النص و نص السلطه، بیروت، مؤسسه البلاغ، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

۱۸. حلّی، ابن نما، مثیر الأحزان، نجف اشرف، المطبعة حیدریه، ۱۳۶۹هـ.ق.

۱۹. دهقانی، رضا، سیری در علوم حدیث، قم، مؤسسه فرهنگي انتشاراتی شاکر، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۲۰. ربّانی، محمد حسین، اصول و قواعد فقه الحدیث، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۲۱. سبحانی، جعفر، الحدیث النبوه بین الروایة و الدراية، قم، مؤسسه الإمام الصادق ، چاپ اول، ۱۴۱۹هـ.ق.

۲۲. شریف رضی، محمد حسین، المجازات النبویّة، تصحیح: مهدی هوشمند، قم، دانشکده دارالحدیث.

۲۳. شوقی، ابو خلیل، اطلس الحدیث النبوی من الكتب الصحاح الستة، بیروت، دارالفکر المعاصر و دار الفکر.

۲۴. شهرستانی، علی، تاریخ الحديث النبوی و مؤثرات الهوی و الموروث الجاهلی علیه (المؤثرات فی عهد أبی بکر)، قم، دارالغدیر، چاپ اول، ۱۴۲۴ هـ.ق.
۲۵. شهید ثانی، الرعایة فی علم الدراية، قم، مکتبة آیت الله المرعشی النجفی، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۲۶. شهید ثانی، حسن بن زین الدین، منتقى الجمان فی الأحادیث الصحاح و الحسان، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲.
۲۷. صالح بن عبدالله و همکاران، موسوعة نضرة النعيم فی مکارم أخلاق الرسول الکریم (ص)، جدّه، دارالوسیلة للنشر و التوزیع، ۱۴۱۸ هـ.ق.
۲۸. صالح، صبحی، علوم حدیث و اصطلاحات آن، ترجمه: عادل نادر علی، تهران، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۷۶.
۲۹. صدر، سید حسن، نهائیه الدراية فی شرح الرسالة الموسومة بالوجيزة للبهائي، تحقیق: ماجد غرباوی، قم، نشر المشعر.

۳۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الفقیه (من لا یحضره الفقیه)، تهران، مکتبه الصدوق بتحقیق الغفاری.
۳۱. الطوسی، أبو جعفر، تلخیص الشافی، تعلیقات: السید حسن بحر العلوم، قم، دارالکتب الإسلامیة.
۳۲. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی، الرعاية لحال البداية فی علم الدراية، و البداية فی علم الدراية، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۱.
۳۳. عروس حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۳۴. عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، الإصابة فی تمييز الصحابة، تحقیق و تعلیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵هـ.ق.
۳۵. علامه حلی، ابو منصور حسن بن یوسف، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌ها، ۱۴۱۲هـ.ق.
۳۶. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، تذکرة الفقهاء، تحقیق و نشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.

۳۷. علامه طباطبائی و حدیث (روش‌شناسی نقد و فهم حدیث از دیدگاه علامه در المیزان)، تهران، شرکت انتشاراتی علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۳۸. غروی نایینی، نهلا، محدثات شیعه، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۳۹. غروی نایینی، نهله، فقه الحدیث و روش‌های نقد متن، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.
۴۰. غفاری صفت، علی اکبر و صانعی پور، محمد حسن، دراسات فی علم الدراية (تلخیص مقباس الهدایة)، دانشگاه امام صادق و سازمان (سمت)، ۱۳۸۴.
۴۱. فضلی، عبدالهادی، اصول حدیث، ترجمه: محمد مهدی حقی و ابراهیم اقبال، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۴.
۴۲. فیض کاشانی، محسن بن مرتضی، الوافی، تحقیق: ضیاء الدین حسین اصفهانی، اصفهان، مکتبه الإمام أميرالمؤمنین، بی‌تا.
۴۳. قاسمی، محمد جمال‌الدین، قواعد التحديث من فنون مصطلح الحدیث، تحقیق: مصطفی شیخ مصطفی، بیروت، مؤسسه الرساله ناشرون، ۱۴۲۵هـ.ق.

۴۴. قربانی، زین‌العابدین، علم حدیث و نقش آن در شناخت و تهذیب حدیث، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۱.
- قزوینی، ابی عبدالله محمد بن یزید بن ماجه، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت، دار احیاء التراث.
۴۵. قشیری نیشابوری، ابی الحسین مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقي، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸ هـ.ق.
۴۶. کعکی، عبدالعزیز، المجموعۃ المصنوعۃ لأشهر معالم المدینۃ المنورۃ.
۴۷. مؤدب، سید رضا، تاریخ حدیث، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴.
۴۸. مؤدب، سید رضا، علم الحدیث، پژوهشی در مصطلح الحدیث یا علم الدراية، قم، احسن الحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۴۹. مؤید، حسین، علم الدراية، ناشر مؤلف، قم، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۵۰. مازندرانی خواجوی، محمد اسماعیل، جامع الشتات، تحقیق: سید مهدی رجایی، قم.

۵۱. مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة فی علم الدراية، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۱هـ.ق.
۵۲. مبانی و روش‌های نقد متن حدیث از دیدگاه اندیشوران، قم، بوستان کتاب.
۵۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة الدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء، بی‌تا.
۵۴. مجلسی، محمد باقر، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۶.
۵۵. مجلسی، محمد تقی، لوامع صاحبقرانی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۱۴هـ.ق.
۵۶. مجلسی، محمد تقی، روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه، بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمد حسین کوشانیپور، ۱۴۰۶هـ.ق.
۵۷. محمدی ری‌شهری، محمد، العلم و الحکمة فی الكتاب و السنّة، قم، دارالحديث، بی‌تا.
۵۸. محمودی، محمد باقر، معرفة الحديث و تاریخ نشره و تدوینه و ثقافته عند الشيعة الإمامية، بیروت، دارالهادی، چاپ اول، ۱۴۳۷هـ.ق.

۵۹. مختاری، علی، الأخلاق، فی الأحادیث المشتركة،
المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الإسلامية، قم، چاپ
اول، ۱۳۸۴.
۶۰. مدیر شانه چی، کاظم، پژوهشی درباره حدیث و فقه،
مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی،
۱۳۸۰.
۶۱. مدیر شانه چی، کاظم، پژوهشی درباره حدیث و فقه،
مشهد، دانشگاه فردوسی و آستان قدس رضوی، چاپ اول،
۱۳۸۰.
۶۲. مدیر شانه چی، کاظم، علم الحديث و درایة
الحديث، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۶.
۶۳. مسعودی، عبدالهادی، روش فهم حدیث، دانشکده
علوم حدیث و سازمان (سمت)، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۶۴. مظفر، محمد حسن، رجال السنّة، القاهرة، دارالعلم
للطباعة، چاپ اول، ۱۳۱۶ هـ.ق.
۶۵. معارف، مجید، پژوهشی در تاریخ حدیث از آغاز تا
پایان قرن پنجم، تهران، مؤسسه فرهنگی هنری ضریح، چاپ
اول، ۱۳۷۴.
۶۶. معارف، مجید، تاریخ عمومی حدیث، تهران،
انتشارات کویر، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۶۷. معارف، مجید، جوامع حدیثی اهل سنت، قم، دانشکده علوم حدیث، چاپ اول، ۱۳۸۳.
۶۸. المعجم المفهرس لألفاظ أحادیث بحار الأنوار، مرکز الأبحاث و الدراسات الإسلامية، قم، بوستان کتاب.
۶۹. معروف الحسنی، هاشم، اخبار و آثار ساختگی (سیری انتقادی در حدیث)، ترجمه: حسین صابری، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۷۰. معروف الحسنی، هاشم، دراسات فی الحدیث و المحدثین، بیروت، دارالمعارف للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۸ هـ.ق.
۷۱. المنذری، عبدالعظیم بن عبدالقوی، و مصطفی محمد عان، الترغیب و التهیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۷۲. موسوعة کلمات الإمام الحسین، مرکز تحقیقات باقرالعلوم، قم، نشر معروف، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۷۳. موسوی، شریف مرتضی علی بن حسین، الشافی فی الإمامة، تحقیق: سید عبدالزهراء حسینی خطیب، تهران، مؤسسه الصادق، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۷۴. میرداماد، الرواشح السماویة، تحقیق: جلیلی و قیصریه‌ها، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰ هـ.ق.

۷۵. نجف‌زاده بارفروش، محمداقصر، دانش حدیث، تهران، نشر جهاد دانشگاهی (ماجد)، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۷۶. نصیری، علی، درسنامه علوم حدیث، قم، انتشارات نصایح، چاپ اول، ۱۳۸۱.
۷۷. نوری طبرسی، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لإحياء التراث.
۷۸. نیلی پور، مهدی، نام‌ها و نام‌گذاری‌ها، اصفهان، انتشارات شهید مدرس، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۷۹. واعظ زاده خراسانی و همکاران، محمد، المعجم فی فقه القرآن و سرّ بلاغته، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۸۰. ورام بن ابی فراس، ابی الحسین، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)، بیروت، دار التعارف و دار صعب.
۸۱. هندی، علی متقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، تصحیح: صفوة السقا، بیروت، مکتبه التراث الاسلامی، مؤسسه الرساله، بی‌تا.

